

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد اول از بسته دکتری جزا و جرم‌شناسی

حقوق جزای عمومی

(مطابق با قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

به کوشش:

دپارتمان دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

شامل:

- ▣ درس‌نامه دکتری
- ▣ مقالات و جزوات اساتید
- ▣ تست و خودسنجی
- ▣ محشای قوانین جزایی

گوشزد: به دلیل نمونه بودن فایل، قیمت و سال چاپ در اینجا ذکر نمی گردد؛ بنابراین بایستی از قسمت سایت این دو

مورد را چک فرمایید.

سرشناسه: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق جزا و جرمشناسی

عنوان: حقوق جزای عمومی

مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه، سال...

نوبت چاپ: سوم/...

مشخصات ظاهری: ۴۱۴ صفحه/رحلی

اساتید ناظر: دکتر طهرانی - دکتر سلطانی - دکتر فتاحی - دکتر دهلان

ناظر فنی: ابوالقاسم شم آبادی

موضوع: حقوق جزای عمومی - قانون مجازات اسلامی - قانون تعزیرات

شناسه افزوده: جرم - مجازات - شروع به جرم - تخفیف مجازات - عناصر جرم - جرم ساده

شناسه افزوده: مکاتب کیفری - نظریه های جرم - قانون تعزیرات

شناسه افزوده: معاونت در جرم - مشارکت - مباشرت - عمد - شبه عمد - خطای محض

شناسه افزوده: آزمون دکتری / دکتری نیمه متمرکز ۱۴۰۲/۱۴۰۳

قیمت: تومان



تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۲۱۰۰۲

۰۲۱-۶۶۵۸۱۷۴۸

آدرس انتشارات عدلیه:

تهران - میدان انقلاب - جمالزاده جنوبی - قبل از خیابان لبافی نژاد - پلاک ۹۴ - ساختمان ۱۴۰

طبقه ۴ - واحد ۱۷

A
D
L
I
Y
E
H

کانال تلگرام عدلیه را در گوشی خود دنبال کنید:

کانال دکتری حقوق

<https://t.me/PHDdoktori>

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مختصر مطالب

۷	*مقدمه
۹	*بخش اول: در سنامه دکتری
۱۰	مکاتب جزایی
۳۰	مفهوم جرم
۳۱	اصول حاکم بر مجازات ها
۳۲	صلاحیت ها
۳۳	صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی
۳۴	بررسی ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی
۳۶	مقایسه قوانین برای شناخت قانون خفیف
۳۸	نکات تطبیقی آزمونی
۳۹	حدود شمول ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲
۴۰	جرایم ارتكابی در هواپیما و کشتی
۴۱	نکات مهم در مورد صلاحیت
۴۲	خودسنجی با سوالات آزمونی
۴۴	اقسام مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲
۴۵	مجازات های تکمیلی
۴۶	مجازات های تبعی
۴۷	نکات مهم
۴۹	خودسنجی
۵۰	تعدد و تکرار جرم
۵۵	خودسنجی
۵۶	مجازات شخص حقوقی
۵۸	نکات مهم
۶۰	خودسنجی
۶۲	درجه بندی مجازات های تعزیری
۶۴	تعزیرات شرعی منصوص
۶۵	تعویق صدور حکم
۶۸	تمایزات تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات
۷۱	نکات مهم

۷۳ تعلیق اجرای مجازات
۷۷ نکات مهم
۷۸ خودسنجی
۷۹ تخفیف کیفر (مجازات)
۸۴ نکات مهم
۸۸ کیفیات مشدده مجازات
۹۶ نکات مهم
۹۸ خودسنجی
۹۹ نظام نیمه آزادی
۱۰۱ آزادی مشروط
۱۰۴ نکات مهم
۱۰۸ مجازات های جایگزین حبس
۱۱۰ عفو محکومین
۱۱۲ تقسیم بندی جرائم
۱۱۶ جرم تام
۱۲۴ جرایم فوری (آنی)
۱۲۴ جرایم مستمر
۱۲۵ جرایم به عادت
۱۲۵ جرایم مطلق و مقید
۱۲۶ جرم عقیم
۱۲۷ جرم محال
۱۲۹ شباهت ها و تفاوت ها بین جرم عقیم، جرم محال و شروع به جرم
۱۳۰ خودسنجی
۱۳۱ تشابه و تفاوت های جرائم ناقص (ناتمام)
۱۳۵ نکات مهم
۱۳۸ طبقه بندی جرائم
۱۳۸ تقسیم بندی نخست - طبقه بندی جرائم بر اساس عنصر قانونی
۱۴۲ تقسیم بندی دوم: طبقه بندی جرائم بر اساس عنصر مادی
۱۴۲ تقسیم بندی سوم: طبقه بندی جرائم به اعتبار نتیجه ارتکاب آن
۱۴۴ جرائم فراتر از قصد
۱۴۶ نظریه مغز متفکر

- مسئولیت مافوق یا کارفرما ۱۴۶
- مفهوم شرکت در جرم و شروط تحقق آن ۱۴۹
- مجازات شریک در جرائم موجب قصاص و دیات ۱۵۰
- معاون جرم ۱۵۱
- مسئولیت کیفری ۱۵۲
- اسباب مانع مسئولیت کیفری ۱۵۹
- * بخش دوم: مجموعه مقالات کاربردی ۱۶۷**
- * بخش سوم: محشای قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با برخی قوانین خاص ۲۷۳**
- * بخش چهارم: آزمونهای دکتری نیمه متمرکز (۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹) ۱۸۳**
- * ضمیمه: محشای قانون کاهش حبسهای تعزیری مصوب ۱۳۹۹ ۳۴۵**

بسته دکتری حقوق جزا
 شماره تماس: ۰۲۱۶۶۵۱۷۴۸ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲

نشر حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۲۰۰۲ ۱۱۶۶۹۲۱۰۰۶ و ۱۷۱۸۱۷۵۶۶۱۰۲

مقدمه

حقوقدانان به گونه های مختلفی حقوق جزای عمومی را تعریف کرده اند و تفاوت گفته آنها معنا و مفهوم آن را متفاوت نمی سازد. حقوق جزای عمومی که مسائل عام حقوق جزا را تبیین می کند؛ به بررسی مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی می پردازد که نظم اجتماعی را تامین می کند و تخلف^۱ از این نظم را به عنوان جرم می شناسد و با مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی به آن پاسخ می گوید.^۲

در حقوق جزا یک شاخه مرتبط با حقوق جزای عمومی داریم با عنوان حقوق جزای عمومی بین الملل که صیانت نظم عمومی بین الملل را بر عهده دارد و نمی تواند از داده های حقوق جزای عمومی در مورد تعریف جرم، عناصر تشکیل دهنده آن، مسئولیت کیفری و مجازاتها دور باشد. به طور نمونه از اصول و معیارهای حقوق جزای عمومی در دادگاه های جنگ جهانی دوم استفاده شد؛ مواردی مانند اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها، عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری، مرور زمان در جرائم ناشی از جنگ و جرائم علیه انسانیت.

با الگو برداری از این تعریف حقوق جزای عمومی در معنای عام که قواعد و مقررات ناظر بر جرم، مجرم و واکنش های قابل اعمال دربارها آنها و زیان دیده را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد؛ قانون مجازات اسلامی مشتمل است بر جرائم و مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است. یکی از بارزترین تغییرات قانون اخیر به نسبت قانون مجازات اسلامی سابق، حذف مجازات های بازدارنده می باشد.

قانون مجازات اسلامی به عنوان مهمترین منبع حقوق جزا در حال حاضر متشکل از ۵ کتاب است:

□ کلیات که از ماده ۱ شروع و به ماده ۲۱۶ ختم می گردد.

□ حدود که از ماده ۲۱۷ شروع و به ماده ۲۸۸ ختم می شود.

□ قصاص که از ماده ۲۸۹ شروع و به ماده ۴۴۷ ختم می شود.

□ دیات که از ماده ۴۴۸ شروع و به ماده ۷۲۸ ختم می گردد و مجموع این چهار کتاب قانون مجازات

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را تشکیل می دهد.

□ که از ماده ۴۹۸ شروع و به ماده ۷۸۳ ختم می شود (که قانون تعزیرات نام دارد) و قسمت نخست آن

مصوب ۱۳۷۵ و قسمت دوم آن یعنی جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ است.

۱ - تخلف: در مفهوم عام خود به کلیه تجاوزات نسبت به قانون و اعمال ضد اجتماعی اطلاق می شود که بسیاری از آنها قابل مجازات است. در قوانین عرفی معمولاً جرایم را در سه طبقه خلاف، جنحه و جنایت تقسیم بندی می کنند. در قوانین شرعی، ما حدود، قصاص و دیات و تعزیرات طبقه های مختلف مجازات ها هستند که با توجه به جرم انجام شده، عناوین خود را پیدا می کنند.

ماده ۱ مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است.

دیدگاه: یکی از بارزترین تغییرات قانون اخیر به نسبت قانون مجازات اسلامی سابق، حذف مجازات های بازدارنده است.

۲ - این جمله تعریفی است از دکتر رضا نوربها در کتاب زمینه حقوق جزای عمومی

این کتاب که برای داوطلبان دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی تدوین شده است؛ بسیار دقیق و موشکافانه بوده و بعید می‌دانیم سوالی در بخش جزای عمومی مطرح شود اما در این کتاب نباشد؛ مگر اینکه به صورت مساله‌ای باشد؛ که ما برای تحقق این هدف از جدیدترین کتب اساتید طراح و یا رفرنس، مقالات به روز، آرای وحدت رویه، قوانین مختلف، جزوات اساتید و حتی کتب آموزشی اساتید مطرح استفاده کرده‌ایم که بهترین را برای شما به ارمغان بیاوریم.

ضمناً برای اینکه کتاب کاربردی شود؛ در جای جای کتاب از ذکر سوالات دکتری و همچنین آوردن سوالات تالیفی غافل نمانده‌ایم. پیشنهاد می‌شود این کتاب را به همراه قوانین و تست‌های دکتری و یا سوالات شبیه ساز دکتری مطالعه کنید. ضمناً مسائل حقوق جزای اختصاصی در جلد بعدی کار شده است و می‌توانید بعد از مطالعه این کتاب به جلد بعدی انتشارات عدلیه با عنوان کتاب دکتری «حقوق جزای اختصاصی» مراجعه کنید.

این کتاب محصول کار گروهی است و به دلیل اهمیت آزمونی، سعی شده ترتیب مطالب با توجه به دیدگاه آزمونی حفظ شود؛ بنابراین اگر به یک بحثی زیاد پرداخته شده مطمئن باشید در آزمون بسیار مهم و تاثیر گذار بوده و اگر کم کار شده و یا احیاناً حذف صورت گرفته است؛ این امر به دلیل عدم کارایی آن مطلب در آزمون دکتری است. دلیل این اقدام هم این است که فرصت داوطلبان دکتری بسیار مغتنم بوده و مخصوصاً اینکه اکثراً به دلیل شغل و حرفه کاری خود نیازی به مطالعه مطالب کم اهمیت، ابتدایی و فرعی ندارند. بنابراین بیشتر از این مقدمه را طولانی نمی‌کنیم تا سریعتر وارد متن کتاب شوید. در پایان از همکاران و اساتید صاحب‌نظر در مورد مطالب این کتاب، خانم دکتر طهرانی و خانم دکتر سلطانی، آقای دکتر کرمی دهلان تشکر می‌کنیم. ضمن تشکر از حسن انتخاب شما در جهت مطالعه، لطفاً هر نظر و انتقادی که دارید؛ نظرات خود را به ایمیل ذیل، ارسال کنید.^۱

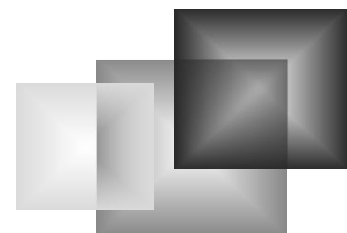
دپارتمان تخصصی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

نشر حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۶ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۷ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۸ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۹ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۱۰ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۱۱ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۱۲

بخش اول:
درسنامه دکتری

نشر حقوقی علییه ناشر پست

۹۸۱۷۵۸۱۷۴



«خلاصه مکاتب جزایی»

(۱) مکتب کلاسیک:

الف - مکتب فایده اجتماعی:

۱. هدف از مجازات فایده بردن اجتماع است.
۲. قائل به اراده آزاد است.
۳. قائل به اعمال مجازات است.
- منتسکیو:** (روح القوانين) معتقد به نسبی بودن قوانین و تفکیک قوا
- ژان ژاک روسو** (قرارداد اجتماعی، امیل، اعترافات)
- بکاریا:** (رساله جرائم و مجازاتها)
- بنتام:** (رساله مجازاتها و پاداش‌ها/رساله قانون مدنی و کیفری)

ب - مکتب عدالت مطلق:

۱. هدف مجازات برقراری عدالت است.
۲. عدالت و اخلاق ایجاب می‌کند که بزهکار کیفر ببیند.
- کانت:** (نقد عقل محض) (نظریه جزیره متروک)
- ارکان ماوراء الطبیعه (نظریه حقوقی)
- ژوزف دومستر** (شب‌های سن پترزبورگ)

(۲) مکتب نئوکلاسیک:

- هدف: پیوند مواضع فلسفی عدالت مطلق و اصالت مجازات (فایده اجتماعی)
- گیزو:** کتاب رساله مجازات اعدام در جرائم سیاسی
- لوکاس روسی** (رساله‌ای در حقوق جزا یا کیفری)
- اورتالان** (کتاب عناصر جرم)

- (۳) مکتب تحقیقی یا اثباتی (پوزیتیویسم)
۱. عدم مسئولیت اخلاقی بزهکار
۲. اقدامات تامینی و تربیتی
- لومبروزو** (انسان بزهکار)
- انریکو فری** (افق‌های جدید در دادرسی جزائی، جامعه شناسی کیفری)
- گارو فالو** (کتاب جرم‌شناسی)

- (۴) مکتب التقاطی
- مکتب پراگماتیکا یا اصالت عمل** (بنیانگذار: سالدانام کتاب: جرم‌شناسی جدید)
- مکتب دفاع اجتماعی نوین** (بنیانگذار: مارک آنسل. کتاب: دفاع اجتماعی)
- مکتب دفاع اجتماعی** (بنیانگذار: آدولف پرنس. کتاب: دفاع اجتماعی و تحولات حقوق جزا)
- مکتب نفی حقوق جزا** (بنیانگذار: گراماتیکا. کتاب: اصول دفاع اجتماعی)

مکاتب جزایی

مقدمه: حقوق جزا در طول حیات خود متأثر از اندیشه‌های گوناگون در جهت تحول آن بوده است؛ در گذشته انتقام، بهترین و موثرترین حربه علیه بزهکاری بوده است؛ اما تحول عمیق در اندیشه‌های وابسته به اصلاح حقوق جزا از انقلاب کبیر فرانسه (سال ۱۷۸۹ میلادی) شکل می‌گیرد.

نکته: تفکرات مربوط به مکاتب جزایی دقیقاً با مباحث ذیل شکل می‌گیرد:

۱. گسترش روابط اجتماعی؛

۲. آغاز انقلاب کبیر فرانسه.

مبنای شکل‌گیری بسیاری از مباحث جزا و جرم‌شناسی، نظریات اندیشمندان در قالب مکاتب مختلف جزایی بوده است. این مکاتب و ویژگی‌های آن عبارتند از:

مکتب کلاسیک

مکتب کلاسیک ترکیبی از سودمندی مجازات و عدالت مطلق است. طرفداران مکتب مزبور معتقدند که انسان با اراده کامل و سنجش قبح نتایج اعمال خود مرتکب جرم می‌شود؛ لذا به اقتضای عدالت و به منظور تنبیه و ارعاب دیگران و تامین دفاع اجتماعی باید مجازات شود. مکتب کلاسیک فقط به عمل انجام شده توجه دارد و به هیچ وجه مجرم را از لحاظ جسمی و روحی مورد ملاحظه قرار نمی‌دهد. این مکتب در تدوین قوانین کیفری برخی از کشورها مانند فرانسه تأثیر کلی داشته است. تحت تأثیر عقاید مکتب کلاسیک که معتقد به دفاع اجتماعی و ارعاب دیگران از طریق اعمال مجازات نسبت به بزهکار است؛ قوانین جزایی بسیار شدیدی تدوین گردید و عدالت دستخوش خشونت شد؛ تا آنجا که عده‌ای از صاحب‌نظران با آن، مخالف نموده و زمینه را برای ظهور مکتب جدیدی آماده ساختند که به نام مکتب نئوکلاسیک معروف گردید.

الف) مکتب فایده اجتماعی

زیر شاخه‌های مکتب کلاسیک:

ب) مکتب عدالت مطلق

اصول مکتب کلاسیک:

۱- مبنای مسئولیت کیفری نقض قرار داد اجتماعی است؛

۲- اصل مفید بودن مجازات؛

۳- اصل آزادی اراده و مسئولیت اخلاقی.

انعکاس نظریات مکتب کلاسیک در قوانین موضوعه:

اصول انعکاس یافته در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین کیفری دنیا، عبارتند از:

۱- **اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها:** به موجب این اصل رفتاری جرم محسوب می‌شود که توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده باشد. همین استدلال مورد قبول اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گرفت در ماده ۸ می‌گوید: «... هیچ کس را نمی‌توان مجازات نمود مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب وضع و قانوناً مورد عمل قرار گرفته باشد...»

۲- **برقراری مجازات ثابت:** برای جلوگیری از خودکامگی قضات در تعیین مجازاتها و محدود کردن قدرت نامحدود آنها تحت تأثیر مکتب کلاسیک، مجازات‌های ثابت حتی بدون در نظر گرفتن حداقل و حداکثر برقرار نمودند؛ مثلاً مجازات جعل در اسناد ۴ سال حبس داشت. این اصل در قانون جزای ۱۷۹۱ فرانسه، مورد عمل قرار گرفت.

۳- اصل تساوی مجازاتها: نجبا را گردن می‌زدند و افراد عادی به دار آویخته می‌شدند و برخی نیز از پای آویزان می‌گردیدند؛ مثلاً یک مجرم کلیمی را به همراه دو سگ از پای آویزان کردند. **انقلاب کبیر فرانسه** تحت تأثیر مکتب کلاسیک به این بی‌عدالتی و عدم مساوات پایان داد. در همین راستا قانون ۱۷۹۱ مقرر می‌داشت: «مجازات جرایمی که از یک نوع‌اند صرف‌نظر از درجه و مقام مجرم برای همه یکسان است.»

۴- شخصی کردن مجازاتها: در سیستم قدیم نتیجه جرم و مجازات منحصر به شخص مجرم نبود و اقوام و کسان مجرم نیز از مجازات معاف نبودند. لذا اصل شخصی بودن مجازاتها که مسئولیت جرم بر عهده مرتکب آن است و نباید به افراد دیگر سرایت کند یکی از دستاوردهای این مکتب است. قانون جزای انقلابی فرانسه به این بی‌عدالتی پایان داد؛ این اصل در قانون جزای ۱۷۹۱ فرانسه چنین منعکس گردید: «نتایج مجازات و محکومیت فقط متوجه مجرم است و عوارض آن به هیچ وجه متوجه فامیل و کسان مجرم نخواهد شد. اقوام مجرم می‌توانند هر شغل و پیشه‌ای را که مایل باشند؛ انتخاب کنند.»

۵- ملایمت در مجازاتها (تعدیل مجازاتها و نفی مجازاتهای شدید): سختی و شدت مجازاتها نیز مورد انتقاد اندیشمندان کلاسیک قرار گرفت و پیشنهاد آنها ملایمت، قطعیت و سرعت در اجرای کیفر بود، نه شدت آن. در این باره حذف شکنجه و مجازات‌های جسمانی و نیز مجازات‌های دائمی سالب آزادی مورد تأکید قرار گرفت. همچنین حذف مجازات اعدام از قانون جزا نیز پیشنهاد شده ولی پذیرفته نشد و تنها موارد اجرای آن تقلیل یافت.

۶- برقراری سیستم رسیدگی اتهامی: تحت تأثیر عقاید بکاریا در سیستم کیفری پس از انقلاب، سیستم اتهامی در جریان محاکمات برقرار شد. محاکمات، دیگر به صورت غیر علنی و توأم با شکنجه نبود. متهم حق داشت از خود دفاع نموده و مدافعات خود را به طور علنی در محکمه ابراز دارد.

۷- تاسیسی هیئت منصفه در محاکمات: احساسات و افکار مردم در امر قضایی دخالت داده شد تا بدین وسیله از شدت و خشونت فوق‌العاده قضات جلوگیری گردد. برای رعایت کامل آزادی متهم و جلوگیری از خشونت قضات، سران انقلاب رأی به تاسیسی هیئت منصفه نیز دادند.

سوال شبیه ساز: برقراری هیئت منصفه از دستاوردهای کدام مکتب کیفری است؟

(۱) کلاسیک (۲) نئوکلاسیک (۳) عدالت مطلق (۴) فایده اجتماعی

گزینه ۱ صحیح است. برقراری هیئت منصفه در محاکمات از دستاوردهای مکتب کلاسیک است.

علل عدم موفقیت مکتب کلاسیک:

۱- اشکالات ناشی از مجازات ثابت: مکتب کلاسیک برای جلوگیری از خودکامه شدن قضات به تاسیسی مجازات‌های ثابت پرداخت. موسسین این مکتب بر این باور بودند که همه انسان‌ها با هم مساویند و مجرمین که قرارداد اجتماعی را نقض کرده، چون باهمه مساوی هستند؛ لذا در صورت ارتکاب جرم هم، همه باید به یک نسبت مجازات شوند و این مجازات هم باید ثابت باشد. لیکن این فرضیه درست نیست؛ چگونه می‌توان فرضاً کسی که از روی ثروت‌اندوزی سرقت کرده با کسی که بخاطر گرسنگی لقمه نانی دزدیده است؛ یکی دانست و برای آنها به یک نحو مجازات تعیین نمود. چنین امری دور از عدالت است. رعایت این سیستم موجب بی‌عدالتی‌های فراوان می‌شود. بنابراین اجرای کامل سیستم پیشنهادی و سلب کامل هرگونه قدرت و اختیار از قاضی، موجب گردیده بود که عدالت به معنای واقعی اجراء نگردد. اعضای هیئت منصفه در برخورد با مسائلی از این قبیل ترجیح می‌دادند که در هنگام محاکمه جرائم کم اهمیت، رأی به برائت مجرمین صادر نمایند، تا بدین ترتیب از صدور احکام محکومیت بی‌تناسب خودداری شود. همین رأفت هیئت منصفه و عللی که فوقاً ذکر شد موجب بالا رفتن آمار تبریئه شدگان گردید و آن حتمیت را که بنیانگذاران مکتب کلاسیک در اجرای مجازات به دنبالش بودند، عملاً تحقق نیافت.

۲- اشکالات ناشی از رأفت فوق‌العاده قانون: مجازات‌های نسبتاً ملایم و رأفت اعضاء هیئت منصفه باعث شد که جنبه‌ها و اهداف اصلاحی و بازدارندگی مجازات‌های حبس به پایین‌ترین درجه ممکن رسیده و موجب افزایش آمار جرایم شود. ترس از مجازات و محاکمه در بین مردم از بین رفت؛ به طوری که در ایام انقلاب و سال‌های اول پس از انقلاب دسته‌های راهزنان و سارقان در قراء و قصبات و شهرستان‌ها، به راهزنی و سرقت و چپاول اموال مردم پرداخته و خیال راحت را از مردم سلب نمودند.

۳- **فراهم نبودن وسائل اجراء مجازاتها:** یکی دیگر از اشکالات این مکتب، نبود امکانات و وسائل مجازاتها بود. قانون انقلابی مجازات‌های بدنی سیستم سابق را حذف و به جای آن مجازات حبس برقرار نمود. در آن ایام به اندازه کافی زندان برای کلیه محکومین وجود نداشت. حتی در مجازات غل و زنجیر که جانشین پارو زدن در کشتی‌ها شده بود؛ مقرر گردید که محکومین روزها در بنادر و معادن و باتلاق‌ها به کار با اعمال شاقه مشغول شده و شب‌ها به زندان عودت داده شوند؛ حال آنکه در مجازات پارو زنی (قدیم) محکومین شب را در همان کشتی به سر می‌بردند. همه این امور باعث شده بود که نحوه اجراء احکام محاکم دچار اشکال فراوان گردد. این معایب لازم بود که چاره‌جویی و رفع ایراد شود که برخی از آنها با آمدن دوره ناپلئون اصلاح و برطرف شد. بعدها اندیشمندان و حقوقدانان درصدد برآمدند که نارسائی‌های این مکتب را تا آنجا که ممکن است از بین ببرند که در این میان می‌توان **طرفداران مکتب عدالت مطلق و طرفداران اصلاح زندانها و طرفداران شخصی کردن مجازاتها** را نام برد.

الف - مکتب فایده اجتماعی

مکتب فایده اجتماعی، **طرفدار اصل آزادی اراده و مسئولیت اخلاقی** و در نتیجه طرفدار **مجازات مجرمین** می‌باشد. از میان طرفداران (مکتب کلاسیک) عده‌ای معتقد به فایده اجتماعی و عده‌ای معتقد به عدالت مطلق بودند. **منتسکیو، ژان ژاک روسو، سزار بکاریا و جرمی بنتام «بانیان این مکتب»** هستند.

آنها ضمن انتقاد از شدت مجازاتها، آنچه معیار مجازات قرار دادند: **«سودمندی مجازات»** است. بنابراین اصولی را در حقوق کیفری پیشنهاد دادند که بشرح ذیل می‌باشد.

- وظیفه جامعه دفاع از فرد است و این وظیفه از طریق مجازات اعمال می‌شود. مجازات باید **دارای فایده اجتماعی** باشد. فایده اجتماعی مجازات آن است که **مانع تکرار جرم شود** و الا مجازات به خودی خود، دارای فایده نمی‌باشد. (روسو)
- **کاهش مجازاتها و مخالفت با شدت آن و در مقابل «حتمیت و قطعیت مجازاتها»** از اصول این مکتب است. حتمیت مجازات به این معناست؛ مجازاتی که برای مجرم صادر می‌گردد؛ حتماً باید اجرا شود و نباید از طرق مختلف همانند کاهش مجازات، مجازات را ناقص اجرا کرد و یا اجرا نمود و **مجازات اعدام تنها برای مجرمان سیاسی قابل اجراء است.** (بکاریا)
- **«اصل قانونی بودن جرم و مجازات»** باید رعایت گردد و **تنها قانونگذار** صلاحیت تعیین رفتارهای مجرمانه و مجازات را دارد. در این مکتب با ارائه راهکار حداقل و حداکثر مجازات پیشنهاد شد که هم اصل قانونی بودن مجازات اعمال گردد و هم قاضی بتواند **اختیار تعیین «مجازات متناسب»** داشته باشد که امروزه این ایده یکی از **عمده‌ترین شیوه‌های تعیین مجازات از سوی قانونگذاران است.** (بکاریا)

- بکاریا معتقد به اجرای **عدالت نسبی** بوده و اجرای آن را از طریق **«متناسب نمودن جرم و مجازات»** ممکن می‌داند.
- هدف نهایی مجازات و اجرای آن **پیشگیری از ارتکاب جرم است.** مجازات فی نفسه فاقد ارزش است. **بهترین مجازات، مجازات زندان است.** با توجه به اینکه اجرای مجازات دارای هزینه‌ای برای جامعه است؛ چنانچه فایده آن بیشتر از هزینه آن نباشد باید از آن دست کشید. (بنتام)
- **مجازات دارای دو ارزش است: ارزش ظاهری و واقعی:**

☑ **ارزش واقعی کیفر، رنجی است که مجرم در اجرای کیفر (مجازات) تحمل می‌نماید.**

☑ **ارزش ظاهری کیفر، رنج احتمالی است که مجرمان بالقوه با دیدن اجرای آن احساس می‌نمایند.** (بنتام)

سوال: هدف اصلی مکتب فایده اجتماعی چیست؟ هدف از مجازات سودمندی (فایده) اجتماع از آن (مجازات) است.

سوال: بنیانگذاران مکتب فایده اجتماعی چه کسانی هستند؟ به طور برابر روسو، منتسکیو، بکاریا و بنتام بنیانگذاران این مکتب هستند.

نکته: کتابهای روسو که مرتبط با تحلیل مسائل اجتماعی هستند: امیل - قرارداد اجتماعی - هلوئیز جدید.

راه افراط این مکتب در برقراری مجازات‌های ملایم، «**رأفت فوق العاده هیات‌های منصفه**» در بی‌گناه شناختن برخی مجرمان و افزایش جرم، گسترش عدم امنیت، عدم زندان کافی برای مجازات‌های سالب آزادی و عدم توجه به میزان مسئولیت‌های اخلاقی مجرمان و تعیین مجازات‌های ثابت امری غیر عادلانه و نامناسب تلقی شد. این موارد زمینه را برای ایجاد ایده مجازات‌های عادلانه فراهم نمود و **سر آغاز نظریه جدید به نام مکتب عدالت مطلق گردید.**

بانیان مکتب کلاسیک:

در اوائل قرن هیجدهم، دانشمندانی همانند «منتسکیو»، «ژان ژاک روسو»، «بکاریا» و «بنتام»، با عقاید خود تحولی عمیق در سیستم جزایی و سیاسی ممالک جهان بوجود آوردند. **پایه گذار مکتب کلاسیک منتسکیو بوده** که پس از نوشتن کتاب **روح القوانین** در سال ۱۷۴۸ میلادی باعث انقلابی در سیستم حقوقی و در نهایت به وجود آمدن مکتب کلاسیک شد. این مکتب از یک سو اولین رویکرد جوامع غربی به سوی عدالت کیفری محسوب می‌شود و از سوی دیگر محصول دیدگاه‌های انسان‌شناسانه‌ای است که انسان را محور و هدف کلیه مسائل فردی و اجتماعی قرار می‌دهد. **منتسکیو برای حقوق (قوانین) اهمیت ویژه‌ای قائل است.**

۱- منتسکیو:

وی معتقد است اگر مجازات **ثابت و معتدل** بوده و به اجرا گذاشته شود؛ مطمئناً **در کاهش جرم مؤثر خواهد بود.** به طوری که قوانین و مقررات جزایی هر کشور بایستی با نهادهای اجتماعی و تحول موسسات سیاسی و اجتماعی همان ملت متناسب و هماهنگ باشد و با مجازات‌های شدید و رسوا کننده مخالفت می‌کند و معتقد به مجازات‌های ملایم و اجرای حتمی و قطعی آنها است. منتسکیو **بنیانگذار اصلی مکتب کلاسیک** است؛ از این رو مبدا پیدایش مکتب کلاسیک حقوق جزا به زمان انتشار کتاب روح قوانین منتسکیو به سال ۱۷۴۸ میلادی بر می‌گردد؛ شارل دو منتسکیو در این کتاب مجازات‌های زمان خودش را که از انتقام اجتماعی الهام می‌گیرد؛ به شدت مورد انتقاد قرار داده است و در مورد ارزش نسبی قوانین جزایی سخن گفته است.

نکته: به نظر منتسکیو «وقوع جرائم ناشی از بی‌کیفر ماندن جنایات است و نه تعدیل و کمی مجازات‌ها»

اصول فکری منتسکیو:

اعتقاد به اراده و اختیار انسان در ارتکاب بزه؛

ثابت و ملایم بودن مجازات‌ها و **قطعیت و حقیقت در اجرای آنها؛**

عدم نفی اعدام و محدودیت آن؛

مخالفت با شکنجه؛

اصل تفکیک قوا و عدم دخالت سلاطین در وضع قوانین؛

اعتقاد به نفع اجتماعی داشتن مجازات؛

اعتقاد به **تفسیر ادبی و لفظی** در تفسیر قوانین؛

سوال: منظور از اصل تفکیک قوا چیست؟ منظور از تفکیک قوا در سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه، استقلال قوا و تحدید قدرت سه قوه از طریق نظارت قوای سه‌گانه بر یکدیگر است. جمله معروف منتسکیو این است: **«قدرت، قدرت را محدود می‌کند.»** یعنی اینکه نظارت قوا بر یکدیگر، باعث محدودسازی قدرت آنها و ممانعت از استبداد می‌شود.

نکته: بنیانگذار اصلی مکتب کلاسیک چه کسی است؟ شارل دو منتسکیو

کدینگ: هر چند آزمایش آی کیو یک آزمایش کلاسیک هست اما نشان می‌دهد که فرد، سالم و معتدل است.

آی کیو: منتسکیو آزمایش کلاسیک: مکتب کلاسیک سالم و معتدل: اشاره به معتدل بودن در نظریه فوق

۲- روسو

روسو معتقد است افراد بشر آزاد به دنیا آمده و به طور آزاد در طبیعت زندگی می‌کنند و به تنهایی قادر به حفظ و دفاع در مقابل عوامل طبیعی نیستند و برای جبران این ضعف، قراردادی با هموعان خود منعقد می‌کنند و به موجب آن، **قرارداد اجتماعی** به وجود می‌آید. مطابق این قرارداد و سند مقدس، اجتماع تعهد می‌کند که جان و مال افراد را از تعرض حفظ کند. در مقابل، افراد مقداری از آزادی و امتیازهای اولیه خود را از دست می‌دهند. یعنی هر کس مرتکب جرم شود؛ قراردادی را که با جامعه بسته نقض کرده است و جامعه حق دارد که چنین فرد پیمان شکنی را به مجازات برساند. بنابراین هدف مجازات **حفظ منافع اجتماعی** در جهت بازگرداندن جامعه به حالت قبل از ارتکاب جرم می‌باشد.

نکته: منظور اصلی از قرارداد اجتماعی **وجود قانون** است که لازم است بر افراد جامعه و دولت حکومت کند. به طور خاص منظور از قرارداد اجتماعی در نظریات روسو، **تصویب قانون اساسی** (سند مقدس) است.

اصول فکری ژان ژاک روسو:

- مهم‌ترین عامل تشکیل حکومت و دولت، **قرارداد اجتماعی (منظور همان قانون اساسی)** است؛
- توجیه مجازاتها براساس **واگذاری حق از سوی مردم به دولت** برای مجازات کردن؛
- موافقت با مجازات اعدام** در مورد مجرمین غیرقابل اصلاح؛
- موافقت با مجازات تبعید؛**
- هدف مجازات فایده اجتماعی آن است؛
- اطفال مسئولیت کیفری ندارند.**

آثار ژان ژاک روسو:

- (۱) قرارداد اجتماعی
- (۲) امیل (درباره پرورش انسان است)
- (۳) هلوئیز جدید
- (۴) اعترافات

نکته: یکی از نظریات مهم روسو در مورد مجرمین غیرقابل اصلاح: «**فقط کسی را می‌توان کشت که در جامعه نگهداری او ممکن نباشد.**»

نکته: از نظر روسو هدف از مجازات، حفظ منافع اجتماعی به صورت برگرداندن جامعه به قبل از ارتکاب جرم است.

کدینگ: از وقتی که روسو قرارداد بافت ژاکت بسته و شروع به کار کرده روسی کشیده شد.

قرارداد: قرارداد اجتماعی ژاکت: ژان ژاک روسو = رسش: روسو

۳- بنتام

بنتام فیلسوف انگلیسی متولد ۱۷۴۸ است که دو کتاب وی «**نظریه مجازاتها و پاداشها**» (منتشر شده در سال ۱۸۱۸) و «**رساله قانون**

مدنی و کیفری» می‌باشد که بعد از کتاب بکاریا انتشار یافت. **بنتام از پایه گذاران مکتب اصالت سودمندی یا اصالت لذت**

روانی است؛ یعنی هر انسانی بالطبع طالب کست لذت و دفع آلم است. در کتاب «رساله قانون مدنی و کیفری» خود می‌نویسد «طبیعت، انسان را زیر فرمان لذت و آلم نهاده است تمام تصورات ما مدیون آنهاست. تمام ارزش‌های زندگی ما به محک آنها سنجیده می‌شود. در این ارزشیابی، عقل با حسابگری خود در انتخاب، به ما کمک می‌رساند و میان لذت‌ها و آلام به فزونی هر یک حکم می‌کند و سود و زیان هر یک را می‌سنجد، **منطق سودمندی** در تمام عملیات ارزشیابی بر محاسبه و مقاسیه مشقت‌ها و منفعت‌ها مبتنی است...» بنابراین این اندیشمند نیز به فایده اجتماعی مجازات معتقد است. از نظر وی «**مجازات باید به شیوه‌ای تدوین گردد که هر کس قصد ارتکاب جرمی را دارد بین لذات و خطرات حاصله از جرم بیندیشد و اگر منفعت حاصله کمتر از**

مجازات مقرر است از ارتکاب جرم اجتناب نماید.» بنابراین بنام معتقد است که مجازات باید به نحوی به مورد اجرا گذاشته شود که **تصور آن موجب ضرر و ترس بیشتری نسبت به میل و نفع حاصل از ارتکاب جرم نماید.** فرد در مقابل سنجش میان دو موقعیت قرار می‌گیرد: یا قبول ارتکاب جرم و تحمل مجازات و یا خودداری از ارتکاب جرم و رهائی از کیفر. بنابراین با این برداشت؛ اصول کیفر مورد نظر بنام برخلاف سایر طرفداران مکتب فایده اجتماعی **شدت در مجازاتها است.** البته این شدت در مجازاتها با مکاتب اولیه متفاوت است و او مخالفت خود را با سیستم قدیم که بیشتر کیفر بدنی بود اعلام کرده است او بهترین مجازات را **حبس** می‌داند. در مورد حبس هم معتقد بود که چنین حبسی باید توأم با مقداری تبلیغات از قبیل **بازدید از زندانها** باشد تا افراد با اطلاع از وضعیت زندانیان مرتکب جرم نگردند.

نکته: تحت تاثیر مجموعه عقاید و افکار این دانشمندان، در اواخر قرن ۱۸ میلادی در فرانسه **نهضت اصلاح طلبی در قوانین جزایی شروع شد.** زندانهای قدیم پاریس منهدم شدند؛ مردم خواستار تجدیدنظر و اصلاح قوانین جزایی و حذف مجازاتهای شدید آن دوره شدند. همچنین در قانون جزایی انقلابی سال ۱۷۹۱ فرانسه نیز اصول مهمی چون **برقراری اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها، اصل تساوی مجازاتها و برقراری سیستم مجازاتهای ثابت برای جلوگیری از خودکامگی قضاوت، حذف عفو پادشاه، الغای مجازاتهای شدید بدنی و سالب آزادی، محدودیت مجازات اعدام و ملایمت در مجازاتها، برقراری سیستم دادرسی به روش اتهامی در محاکمات و امکان حضور هیات منصفه در جریان دادرسی و پیش بینی و تصویب شد.** ولی این اصلاحات علی رغم امیدها و انتظارات تدوین کنندگان آن در عمل نتایج مطلوبی به بار نیاورد.

نکته: بنام برای کیفر دو ارزش قائل می‌شود: ارزش ظاهری و ارزش واقعی، ارزش ظاهری رنج احتمالی است که حسب توصیف کیفر یا دیدن اجرای آن در تصور عموم انسانها نقش می‌بندد ولی ارزش واقعی رنج کامل کیفر است، تمام رنجی است که در اجرای کیفر احساس می‌شود.

اصول فکری بنام:

- انسان آزاد و مختار در ارتکاب اعمال مجرمانه است؛
- مجرم لذت عمل مجرمانه را با رنج حاصل از مجازات می‌سنجد و با قاعده سنجش سود و ضرر، اقدام به عمل مجرمانه می‌کند. به همین علت یکی از جنبه‌های مجازات در مکتب کلاسیک همان «**جنبه ارباب**» است؛
- طرفدار شدت در مجازاتها و حتمیت و قطعیت در اجرای مجازاتها؛
- مخالفت با مجازات اعدام مگر در موارد خاص؛
- طرفدار مجازات حبس؛**
- مجازات دارای دو اثر ظاهری و واقعی است. اثر ظاهری بر روی مردم و اثر واقعی بر روی مجرم است؛
- هدف مجازات فایده اجتماعی آن است: **بگذار مجازات جلوی جرم را بگیرد (جمله معروف بنام)؛**
- مخالفت با نظریه قرارداد اجتماعی؛
- طرفدار اجرای علنی مجازاتها.**

۴- سزار بکاریا

بکاریا معتقد به حتمیت و قطعی بودن مجازاتها و نیز معتقد به ضروری بودن مجازات و فایده اجتماعی آن است. **(به نظر بکاریا این شدت مجازات نیست که بازدارنده است بلکه حتمیت و قطعیت اجرای مجازات است که مانع تکرار جرم می‌شود.)** او بیش از هر چیز **به دستگاه انتظامی (از نظر کشف جرم)** اهمیت می‌داده تا در موقع اغتشاش شدت عمل لازم را در جهت دفاع اجتماعی به کار برد. بکاریا معتقد بود که مجازات باید متناسب با خطری باشد که از جانب بزهکار متوجه جامعه گردیده است. **(اصل تناسب مجازات با جرم)** تعیین میزان ضرر و زیان اجتماعی در واقع تعیین خطر اجتماعی پدیده مجرمانه است. هدف نهایی از مجازات باید در درجه اول حمایت از منافع اجتماع باشد.

سزار بکاریا با مجازات عفو و اعدام مخالف است؛ اما اعدام را برای **جرائم سیاسی** رد نمی‌کند. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و اصل شخصی بودن مجازات از افکار او ناشی شده است. از دیگر نظریات او عدم اختیار قاضی در تعیین مجازات و ثابت بودن آن است. بکاریا عقاید و نظریات خود را در کتابی با عنوان «**رساله جرائم و مجازات‌ها**» در سال ۱۷۶۴ منتشر کرد و نتیجه آن تاثیر قابل ملاحظه‌ای بود که در وضع قوانین جزائی کشورهای زمان خود داشت. (رساله بکاریا در کشور ایتالیا بازتاب گسترده‌ای نیافت؛ ولی در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی بسیار مؤثر بود.) مقارن با انتشار کتاب بکاریا یک نفر انگلیسی به نام **جان هوارد** که در سال ۱۷۷۵ انگلستان را به قصد کمک به زلزله‌دیدگان لیسبون ترک کرده و در آنجا زندانی شده بود؛ از مشاهده وضع آسفبار زندانیان سخت متاثر شده و هنگام مراجعت به انگلستان به منظور حمایت و مساعدت زندانیان از سال ۱۷۷۵ تا ۱۷۹۰ برای بازدید زندان‌ها به ممالک مختلف مسافرت کرد و در سال ۱۷۷۷ کتاب معروف خود را تحت عنوان «**وضع زندان‌ها در کشور انگلستان**» انتشار داد. جان هوارد در کتاب مزبور، **بهبود وضع زندان‌ها** و **مراعات بهداشت** و **اصلاح و تربیت زندانیان** را پیشنهاد و **کار را وسیله اصلاح مجرمین معرفی نمود.**

اصول افکار بکاریا به شرح ذیل است:

الف) ضروری بودن مجازات‌ها: جامعه به قانونگذار طبق قرار داد اجتماعی قدرت می‌دهد؛ ولی این قدرت در هنگام تصویب قوانین باید به نفع جامعه توجه داشته باشد. امتیاز این کار جلوگیری از تکرار جرم مجرمان در آینده می‌باشد. او کیفری را درست می‌داند که بتواند آرامش اجتماع را تضمین کند و کیفری را که از حد لازم برای سلامت اجتماع بیرون رود؛ نادرست است.

ب) یقینی بودن و قاطعیت مجازات: به طوری که می‌نویسد؛ این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می‌کند؛ بلکه قطعی بودن یا حتمی بودن مجازات می‌باشد و برای اینکه مجازات تاثیر خوبی داشته باشد؛ کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می‌شود.

پ) فایده اجتماعی مجازات: با توجه به اینکه نظم اجتماعی با ارتکاب جرم مختل شده است باید کیفری برای آن پیش بینی کرد؛ اما این مجازات باید اولاً فردی و ثانیاً حتمی و یقینی باشد تا فایده‌ای از آن عاید اجتماع شود.

نتایج افکار بکاریا: بکاریا قانونگذار را به حذف مجازات‌های شدید فرا می‌خواند و بخصوص کیفر اعدام را در مورد جرائم عمومی مورد حمله قرار می‌دهد ولی در جرائم سیاسی آن را می‌پذیرد. بنابراین به نظر بکاریا مجازات اعدام حق نیست؛ بلکه ستیز ملتی است علیه بزهکار و به دلیل اینکه ملت نابودی او را ضروری می‌داند و چون به جلوگیری از ارتکاب جرم اهمیت می‌دهد؛ اصلاح قوانین جزایی را پیشنهاد می‌کند.

بعلاوه قبول حق عفو، الغای شکنجه، **محدود کردن قدرت قضاوت را لازم می‌داند** و در ضمن مجازات‌ها باید صریح و روشن بوده و به اطلاع عموم برسد. در واقع بکاریا از اولین کسانی بود که به ضرورت سودمندی مجازات‌ها نظر داشت.

پیشنهادات بکاریا:

۱- اصلاح قوانین: اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و در نتیجه محدود شدن اختیارات گسترده و خودکامه قضات و نیز برقرار شدن مجازات‌های ثابت

۲- شکل رسیدگی: وارد آوردن اتهام به طور مخفی یا شکنجه ممنوع است و جعل مدرک از ناحیه دولت و استفاده غیراخلاقی رای اثبات بزهکاری باید متوقف شود.

۳- در مورد محاکمه و رفتار با متهم: محاکمات باید با سرعت انجام شود و رفتار با مجرمان باید توأم با عطف و مهربانی باشد. تشریفات دادرسی باید به طریق اتهامی و علنی و تدافعی باشد.

۴- در مورد اجرای حکم و اصلاح مجرم: اگر در اعمال مجازات‌ها بیشتر از زندان استفاده شود؛ برای جامعه و نیز جهت اصلاح مجرم مفید است؛ پس باید برای اصلاح وضع زندانی‌ها کوشید. در ضمن لازم به ذکر است که بکاریا از اشاعه‌دهندگان اندیشه جدایی حقوق کیفری از دین و حتی از اخلاق فردی است.

نکته: از نظر بکاریا مهمترین هدف مجازات: **ارعاب است.**

اصول فکری بکاریا:

- اعتقاد به اصل آزادی و اختیار انسان در اعمال و رفتار مجرمانه؛
- اعتقاد به مجازات به عنوان پاسخ نقض قرارداد اجتماعی؛
- اعتقاد به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها؛
- اعتقاد به تفسیر مضیق و محدود و ادبی؛
- وظیفه تفسیر به عهده قانونگذار است نه قاضی؛**
- اعتقاد به اصل برائت؛
- هدف از مجازات فایده اجتماعی آن و **جلوگیری از تکرار و پیشگیری است.** (ارباب مهمترین اهداف مجازات است)؛
- قاطعیت و حتمیت و سرعت** در اجرای مجازات‌ها؛ **(مهم)**
- مخالفت با اعدام مگر در **جرائم سیاسی**؛
- حبس بهترین نوع مجازات است؛
- بکارگیری کیفر ملایم - بکارگیری کیفر شدید از ضعف حکومت‌هاست؛
- دادرسی باید اتهامی باشد** و مخفی صورت نگیرد؛
- مخالفت با عفو و مرور زمان؛
- اصل علنی بودن مجازات در جرائم کوچک؛
- اهمیت دادن به دستگاه انتظامی و پلیس مرتب، منظم و تجهیز آن (تاکید بر سازمان محوری)؛**

سوال کارشناسی ارشد سراسری ۱۳۹۴: کدام اندیشمند، با دادن اختیار تفسیر قوانین کیفری به قضات، به شدت مخالف بود؟

- (۱) بکاریا (۲) آنسل (۳) گاروفالو (۴) فری
- گزینه ۱ صحیح است.** بکاریا معتقد بود اختیار تفسیر قوانین کیفری را نمی‌توان به قضاوت سپرد؛ به این دلیل آشکار که آنان قانونگذار نیستند.

اشکالات مکتب فایده اجتماعی

افراط در برقراری مجازات‌های ملایم
 رأفت هیات‌های منصفه در بی‌گناه شناختن برخی مجرمان و افزایش جرم
 گسترش عدم امنیت
 عدم زندان کافی برای مجازات‌های سالب آزادی
 عدم توجه به میزان مسئولیت‌های اخلاقی مجرمان

نکته: یکی از مهمترین ایرادات مکتب فایده اجتماعی: برخلاف مکتب تحقیقی بیشتر به جرم توجه دارد تا به مجرم (به شخصیت مجرم توجهی ندارد).

نکته: مکتب فایده اجتماعی علیرغم نکات مثبت بسیاری که داشت افراط کاری باعث ناکامی‌های آن گردید؛ به طوری که مکتب عدالت مطلق به مخالفت با افراط کاری‌های آن پرداخت و تا جایی پیش رفت که خود به عنوان یک مکتب افراطی و نه یک مکتب اصلاحی قلمداد گردید.

کدینگ: سزایی که جرمی در پی دارد؛ فایده‌ای ندارد.

سزاین: اشاره به سزار بکاریا جرمی: اشاره به جرمی بنتام فایده‌ای: مکتب فایده اجتماعی

ب- مکتب عدالت مطلق

در این مکتب هدف از مجازات نباید تامین فایده اجتماعی باشد؛ بلکه لازم است که مبنا و غرض نهایی از مجازات **(اعاده نظم اخلاقی)** و برقراری عدالت در جامعه باشد.

افلاطون، امانوئل کانت، هگل و ژوزف دومستر بنیان این مکتب هستند. آنان معتقدند هدف از اجرای مجازات، **اجرای عدالت است**، عدالت تنهاترین چیزی است که به زندگی انسان ارزش می‌بخشد. موضوع کیفر اعاده نظم اخلاقی مختل شده‌ای است که به وسیله جرم ایجاد شده است.

بنیان این مکتب در اعمال مجازات اصولی را طراحی کردند که بشرح ذیل بیان می‌گردد:

✓ مکتب عدالت مطلق برای جامعه نظم اخلاقی تصور می‌کند؛ هر اقدامی که موجب اخلاق و تزلزل این نظم گردد؛ باید اعاده

شود و **مجازات باید متناسب با شدت جرم باشد. (قانون قصاص از نظریات این مکتب می‌باشد.)**

✓ مجازات وسیله جبران اخلاق در نظم اخلاقی جامعه است و با مجازات اخلاق به وجود آمده اعاده می‌گردد. تنها وسیله اجرای عدالت، مجازات است مجازات مجرم نباید وسیله نفع و سود جامعه باشد.

مجازات **مکافات عمل است**؛ کیفر برای ارضای اخلاق است. هر کیفری در مقابل تعدی یا تجاوز خطاکار تحمیل می‌شود. کیفر درمان کننده و نجات بخش است.

طرفداران مکتب عدالت مطلق:

افلاطون / کانت / هگل / ژوزف دومستر

۱- کانت:

کانت معتقد است چون مجرم مرتکب کار بدی شده است باید به مجازات برسد. او از شمار فیلسوف‌های خردگرا می‌باشد. کانت هرگونه نظریه اصالت غایتی مانند اصالت سودمندی بنام را رد می‌کند و برای اخلاق بیرون از اخلاق هیچ گونه غرض و غایتی نمی‌پذیرد. بزه از نظر کانت پدیده‌ای است زیان بخش و بزهکار کسی است که دستورهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارد و در نتیجه نظم اخلاقی جامعه را دچار آشفتگی و نابسامانی می‌کند. بنابراین، کیفر رساندن و تحمل رنج براو برای اعاده نظم اخلاقی لازم است. او **دو مثال معروف دارد:**

مثال دانشکده پزشکی: اگر از طرف دانشکده پزشکی پیشنهاد شود که مجرمی را که به مرگ محکوم شده با موافقت وی برای انجام آزمایش‌های خطرناک و کالبد شکافی به دانشگاه بسپارند چه جوابی خواهیم داشت؟ پاسخ می‌دهد که چنین پیشنهادی با تمسخر رد خواهد شد؛ زیرا عدالت را نمی‌توان با هیچ عوضی به معامله پایاپای گذاشت؛ چون در غیر اینصورت عدالتی باقی نخواهد ماند.

مثال جزیره متروک (سابقه آزمونی دارد): فرض کنید ساکنین یک جزیره که در حال ترک آن محل می‌باشند در بین خود مجرمی دارند که محکوم به اعدام است؛ حال آیا باید وی را به دلیل اینکه از آن جامعه طرد شده و دیگر اعدام او برای جامعه نفعی ندارد از مجازات رساندن وی خودداری نمود؟ یا اینکه مجازات هدف دیگری را دنبال می‌کند؟ به عقیده کانت، آخرین وظیفه این جامعه این است که قبل از ترک جزیره، مجرم را به مجازات برسانند تا هر کس سزای عمل خود را دیده باشد؛ هرچند که اجرای مجازات برای اجتماع فایده‌ای نداشته باشد. پس برقراری نظم اخلاقی بالاتر از نفع اجتماع است و مجرم به خاطر اجرای عدالت باید مجازات شود.

کانت اعتقاد به اجرای مجازات در این مورد دارد و می‌گوید **هر کسی باید سزای عمل خویش را ببیند** و دیگر اینکه خون ریخته شده دامن مردمانی را که خواهان کیفر نبوده‌اند را خواهد گرفت و آنان شریک جرم به حساب خواهند آمد. از نظر کانت: «**عدالت باید اجرا شود و عدالت مطلق و خوب چنین مجازاتها را ضروری می‌داند. موضوع این نظریه ثابت بودن خاصیت ارعابی کیفر است و پیام آن؛ اجرای عدالت مطلق است.**»

نکته: کانت می‌گوید؛ مجرم را باید مجازات کرد؛ و **جنایت نباید بی کیفر بماند؛ به دلیل اینکه مجرم گناه کرده است؛ (مطلق)**

سوال: موضوع نظریه جزیره متروک چیست؟ خاصیت سزادهنگی و ارعابی کیفرها ثابت و لایتغیر است.

سوال: مهمترین نظریه‌ای که در مکتب عدالت مطلق ارائه شده است؛ چیست؟ نظریه جزیره متروک از امانوئل کانت

نکته: نظریه کانت مبتنی بر فلسفه و اخلاق است و کیفر را به قضایی و طبیعی تقسیم می‌کند و به کیفر طبیعی انسان معتقد است.

دو اثر کانت عبارت است از:

(۱) نقد عقل محض (نظریه جزیره متروک)

(۲) عقل عملی

(۳) ارکان (عناصر) ما بعدالطبیعه (نظریه حقوقی)

اصول فکری کانت:

اعتقاد به اراده آزاد و مختار انسان؛

موافقت با مجازات اعدام و مجازات‌هایی که عدالت را برقرار می‌سازد؛

موافقت با اصل قصاص؛

مخالفت با اعطای عضو فردی که محکوم به مرگ شده است؛

هدف از کیفر اجرای عدالت محض است نه فایده اجتماعی آن (مثال جزیره متروک)؛

مخالفت با نظریه اصالت سودمندی بنتام (یعنی فقط اصول اخلاقی ملاک است نه نفع و ضرر)؛

اخلاق به عنوان پایه اعتقادات: به نظر کانت محدوده اخلاق و قانون یکی است (سرقت برای کمک به فقیر اخلاقی است و جرم نیست)؛

قاعده تناسب بین مجازات و خطا؛

فقدان مسئولیت کیفری مجانین و اطفال؛

جرم، عملی خلاف نظم اخلاقی است و مجازات رنج و سختی است برای اعاده نظم اخلاقی در جامعه.

کدینگ: برخی از داوطلبان به شدت با فراموشی اسامی مواجه می‌شوند؛ از این رو چگونه به خاطرتان بسپارید که نظریه جزیره متروک از امانوئل کانت است:

بابا نوئل (هم وزن امانوئل) در کجا زندگی می‌کند؟ جزیره متروک

هدف بابا نوئل چیست؟ اجرای عدالت مطلق در جزیره متروک

سوال دکتری سال ۹۹: «الف» محکوم به اعدام شده است. وی مایل است با اعطای اعضای بدن خود به افراد نیازمند که در

نهایت باعث مرگ «الف» می‌شود، از دنیا برود. کدام اندیشمند با این امر مخالف می‌باشد؟

(۱) آنسل (۲) بنتام (۳) کانت (۴) لومبروزو

گزینه ۳ صحیح است. کانت که به فیلسوف اخلاق معروف است؛ با اعطای عضو فردی که محکوم به مرگ شده است؛ مخالف می‌باشد. کانت معتقد بود که قیمت گذاشتن روی هر چیزی، آن را قابل تعویض و جایگزین می‌کند و هر چیزی که برتر از قیمت گذاری باشد، هیچ معادلی ندارد و دارای شأن و احترام است؛ از این رو کانت مخالف با اعطای اعضای بدن و مخالف این خط و مشی بود که اعضای بدن انسان، قیمت گذاری و خرید و فروش شود.

سوال کارشناسی ارشد سراسری سال ۹۳: تمثیل «جزیره متروک» توسط چه کسی، در کدام یک از مکاتب کیفری و

برای چه موضوعی طرح شده است؟

(۱) کانت - مکتب عدالت مطلق - ثابت و لایتغیر بودن خاصیت سزادهنگی و ارعابی کیفرها

(۲) گاروفالو - مکتب فایده‌گرا - تبعید مجرمین خطرناک

(۳) لومبروزو - مکتب تحقیقی - طرد بزهکاران مادرزاد

۴) ژوزف دومستر - مکتب اخلاق گرای کیفری - ثابت بودن کیفرها

گزینه ۱ صحیح است. این تمثیل را کانت به عنوان یکی از بنیان گذاران مکتب عدالت مطلق مطرح نموده است.

کدینگ: اختصاص کافی نت در جزیره بدون شهروند که متروکه مطلقاً عادلانه نیست.

مطلقاً عادلانه: اشاره به مکتب عدالت مطلق کافی نت: کانت

۲- ژوزف دومستر

این فیلسوف فرانسوی **به مفهوم جبر و سرنوشت جبری انسان اعتقاد داشت؛** از نظر وی رفتار و کردار انسان را مستقیماً قضا و قدر یعنی علم و اراده الهی پدید می آورد و انسان از خود اراده و اختیاری ندارد. پروردگار در تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی حاضر است؛ پادشاهان و حکمرانان **به نمایندگی از طرف خدا** اعمال حاکمیت و اجرای عدالت می کنند و چنین کسی نمی تواند اشتباه نماید مگر در ظاهر.

دومستر با قبول اشتباهات قضایی می گوید: «گرچه ممکن است گاهی چنین اشتباهاتی اتفاق افتد ولی می توان این مجازاتها را نتیجه جرائم و گناهان قبلی متهم که کشف نگردیده و مورد تعقیب قرار نگرفته اند؛ دانست»

به علاوه وی **معتقد به اصل انتقال مسؤلیت از نسلی به نسل** دیگر می باشد. دومستر در این خصوص چنین اظهار نظر می نماید که **بعید نیست گناه پدران دامن گیر فرزندان شود و فرزندان کفار گناهان پدران خود را بپردازند.** در مورد اشتباهات قضایی نیز امکان دارد که این اشتباهات نتیجه جرائم والدین متهم باشد که اینک فرزندان نتیجه آن را متحمل می شوند. او مخالف هدف فایده اجتماعی مجازات می باشد و معتقد است حتی اگر برای مجازات فایده ای هم متصور نباشد؛ باید اجرا شود.

مثال: اگر قرار باشد چند لحظه بعد کل دنیا از بین برود؛ اشخاص باید محاکمه شوند؛ حتی با وجود از بین رفتن دنیا و نابودی آنها، این افراد باید محاکمه شوند. این لازمه عدالت است؛ زیرا صبر کردن برای اینکه همه افراد به یک نحو بمیرند؛ عدالت نیست و عین بی عدالتی است. ژوزف دومستر به امور و اصول مذهبی **بیشتر از حقوق فردی** اهمیت می دهد. نهایت اینکه مبانی مذهبی اساس و پایه فکر او را در این نظریه تشکیل می دهد.

اصول فکری دومستر:

اعتقاد به اینکه پاپ و فرمانروایان جانشین خدایان بر روی زمین هستند و به همین دلیل حق مجازات دارند و چنین کسانی نمی توانند اشتباه کنند مگر در ظاهر؛

اعتقاد به جبر الهی و عدم اختیار و آزادی انسانها و عدالت مطلق بر مبنای تعبد محض (برخلاف کانت)؛

او جرم را گناه و مجازات را کفاره گناه می داند؛

موافقت با مجازات شدید و مخالفت با عفو یا هر عاملی که از قطعیت مجازاتها بکاهد؛ زیرا سبب عدم اجرای عدالت می شود؛

عدم مسؤلیت کیفری اطفال و مجانین؛

توجیه اشتباهات قضایی بر این مبنا که اشتباهات قضایی مجازات گناهان آشکار نشده متهم می باشد یا مجازات گناهان نسل های قبلی است که به نسل فعلی منتقل می شود؛

عدالت ایجاب می کند مجازات در هر صورت حتی اگر قرار باشد؛ چند لحظه مجرم بعد دنیا از بین برود؛ باید اجرا شود و لازم نیست سود و منفعتی در آن باشد (مخالفت با اصالت نفع بنام)؛

اسم کتاب ژوزف دومستر:

شبهای سن پترزبورگ

انتقادات وارده بر مکتب عدالت مطلق:

۱- نادرست بودن

۲- خطرناک بودن

۳- بی فایده بودن

نکته: دو اصل مسلم حقوق جزایی مکتب کلاسیک که در قانون جزایی فرانسه گنجانده شده بود:

الف: اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها ب: اصل تساوی در مجازاتها

۳- افلاطون:

بسیاری از شارحان آثار افلاطون او را در شمار پیروان و اصحاب نظریه کفاره در فلسفه حقوق کیفری می‌دانند. در عقاید افلاطون حیات واقعی، حیات عقلی است. افلاطون می‌گوید که ستم خود بدی است به غایت بزرگ، ولی بزرگترین و غایت بدی‌ها ستمی است که به کیفر نرسیده باشد. افلاطون را به این دلیل باید از پایه گذاران و پیروان نظریه عدالت مطلق به شمار آورد که نه تنها درمان و بهبودی گناهکاران را در تحمل درد و رنجی که از کیفر پدید می‌آید جستجو می‌کند؛ بلکه آن را درباره کسانی که درمان ناپذیرند به دلیل آنکه دست به گناه آلوده‌اند نیز ضروری می‌داند. البته افلاطون علاوه بر فایده اجتماعی فردی کیفر، سود اجتماعی آن را نیز از نظر دور نمی‌دارد؛ اما در حقیقت اثر اجتماعی آن را فرع بر اصل اجرای عدالت مطلق می‌داند.

و
و
و
و
و
و

نشر حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۲۰۲۱
۰۲۱۶۶۵۸۱۷۴۸ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲

خلاصه نموداری



<p>اورتولان: نظریه سازش مفاهیم</p> <p>تلفیق دو اصل عدالت و سودمندی در اعمال کیفر</p> <p>نظریه: نه بیش از آنچه عدالت اقتضاء می کند و نه بیش از آنچه که برای جامعه سودمند است. (سوال و کالت)</p>	}	<p>مکتب نئوکلاسیک</p>	}	<p>مکاتب کلاسیک</p>
<p>گیزو: کتاب: مجازات اعدام در جرایم سیاسی</p> <p>نظریه: شرایط نظام عدالت کیفری</p> <p>انواع کار آیی کیفر: کار آیی اخلاقی و مادی</p> <p>رساله ای در حقوق جزا</p>	}	<p>رسی: عدالت انسانی، عنصر نظم اجتماعی است.</p> <p>نظریه: عدالت مطلق، عنصر نظم اخلاقی است.</p> <p>کیفر، متضمن عدالت اجتماعی و اخلاقی است.</p>		

و
و
و
و
و
و
و

حقوق جزا، عدلیه ناشر، بسته دکتری حقوق جزا، ۱۳۹۶، ۲۱۶۶۵۸۱۷۴۸ و ۲۱۶۶۶۱۰۰۲

نکات طلایی

- ۱- طبقه بندی بزهکاران، از دستاوردهای کدام مکتب است؟ مکتب تحقیقی (قضاوت سال ۱۳۹۱)
- ۲- اقدامات تأمینی مبتنی بر نظریات کدام یک از مکاتب کیفری است؟ مکتب تحقیقی (مشاوران سال ۱۳۹۲)
- ۳- تمثیل «جزیره متروک» توسط چه کسی؟ در کدام یک از مکاتب کیفری و برای چه موضوعی طرح شده است؟ کانت/ مکتب عدالت مطلق/ ثابت و لایتغیر بودن خاصیت سزا دهنده‌گی و ارعابی کیفرها (کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳)
- ۴- کدام یک از مکاتب حقوق جزا با اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها مخالف و اصول دیگری را جایگزین آن نموده‌اند؟ مکتب تحقیقی یا تحصیلی (سوال دکتری آزاد سال ۱۳۹۳)

و
و
و
و
و
و
و

نشر حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲ و ۰۲۱۶۶۹۱۱۰۰۵ و ۰۲۱۶۶۹۱۱۷۴۸ و ۰۲۱۶۶۹۱۱۷۵۶۶۱۱۰۰۲

خودسنجی ۱

سوال دکتری سال ۱۴۰۰: عقیده زیر متعلق به کدام اندیشمند است؟

«تصمیمات اخلاقی چون توسط خود انسان اخذ می‌شود، محدود کننده آزادی وی نیست فلذا اگر فرد مرتکب جرم شد؛ وی به عنوان غایت و یک فاعل آزاد مجازات می‌شود.»

- (۱) بنتام (۲) دفاع بکاریا (۳) کانت (۴) لمبروزو
گزینه ۳ صحیح است.

سوال دکتری سال ۱۴۰۰: کدام مورد در خصوص عقیده دومستر صحیح است؟

- (۱) مجازات بیش از اندازه‌ای که عادلانه است و بیش از آنچه مفید است؛ نباید باشد.
(۲) مجازات باید به گونه‌ای باشد که از آن نفعی به اجتماع برسد و مجازات بدون نفع، امری بیهوده است.
(۳) هیچ فرد ناکرده بزه‌ی طبق قوانین الهی و بشری قابل مجازات نیست و هیچ گاه هم مجازات نشده است.
(۴) مجازات افراد بیگناه بدان دلیل است که نیاکان وی جرمی مرتکب شده و مجازات نشده‌اند و آن جرم دامن گیر او شده است.
گزینه ۴ صحیح است.

سوال دکتری سال ۹۹: رویکرد مکتب دفاع اجتماعی نوین به دفاع اجتماعی چیست؟

- (۱) دفاع از افراد جامعه در مقابل بزهکاران خطرناک (۲) دفاع از جامعه در مقابل بزهکاران خرد
(۳) دفاع اجتماعی از طریق جذب بزهکار (۴) دفاع از جامعه از طریق طرد بزهکار

گزینه ۳ صحیح است. مکتب دفاع اجتماعی نوین توسط مارک آنسل بنیانگذاری شد. مکتب دفاع اجتماعی نوین مخالفت خود را با جبر جنائی اعم از جبر بیولوژیک و جبر اجتماعی اعلام می‌کند و در این راستا مسئولیت کیفری را بر خلاف نظریه گراماتیک پذیرفته است زیرا انسان دارای اراده آزاد است و مسئولیت کیفری داشتن بزهکار، اصلاح و تربیت بزهکار را نیز آسان می‌کند، همچنین با تقسیم بندی مجرمین در گروه‌های خاص مخالفت می‌ورزد و بیشتر به شناسایی عوامل جرم و توجه به انگیزه‌های فردی در لحظات ارتکاب بزه را مورد توجه قرار می‌دهد و نیز توجه به ارزشهای اخلاقی در کنار داده‌های علمی نیز از اصول فکری مکتب دفاع اجتماعی نوین است. بنابراین بنیان این مکتب، دفاع اجتماعی از طریق جذب بزهکار است.

نکته: یکی از ابداعات مهم این مکتب را می‌توان **تشکیل پرونده شخصیت** در کنار پرونده قضایی دانست. در این پرونده شخصیت می‌توان از متخصصان و روان شناسان و جرم شناسان و جامعه شناسان بهره برد و وظیفه قاضی مشورت با پرونده شخصیت و صدور حکمی عادلانه است.

سوال دکتری سال ۱۳۹۷: مثال «جزیره متروکه»، توسط کدام دانشمند و در کدام مکتب حقوق کیفری مطرح شده است؟

- (۱) بنتام - دفاع اجتماعی (۲) کانت - نئوکلاسیک
(۳) بنتام - فایده اجتماعی (۴) کانت - عدالت مطلق

گزینه ۴ صحیح است. امانوئل کانت (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴م) فیلسوف آلمانی است و از پایه‌گذاران عدالت مطلق به شمار می‌آید؛ بزه از نظر کانت پدیده‌ای است زیانبخش و بزهکار کسی است که دستورهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارد در نتیجه نظم اخلاقی جامعه را دستخوش آشفتگی می‌کند. کانت برای ضرورت بی‌چون و چرای کیفر و پیشگیری از عواقب وخیم عدم اجرای آن، کانت به تمثیل جزیره متروکه متوسل می‌شود و می‌نویسد: «اگر جامعه مدنی با تمایل و رضایت افراد آن فرو می‌پاشید (مرزهایی را تصور کنید که در جزیره‌ای ساکن هستند و تصمیم می‌گیرند از یکدیگر جدا شوند و در دنیای دیگر پراکنده شوند) نخست؛ آخرین آدمکشی که در زندان به سر می‌برد باید به کیفر برسد: یعنی هر چند کیفر آدمکش فایده اجتماعی نخواهد داشت چون دیگر، کسی در آن جزیره متروکه زندگی نمی‌کند و همه آنجا را ترک می‌کنند ولی مجرم باید کیفر ببیند چون نظم اخلاقی را زیر پا گذارده و مستحق عذاب است و در هر حال عدالت باید اجرا شود.»

و
و
و
و
و

□ خلاصه مبحث

عنصر قانونی (یا اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها)

عناصر متشکله پدیده مجرمانه: ←
 ← عنصر مادی
 ← عنصر معنوی

عنصر قانونی (یا اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها)

عنصر قانونی یعنی تعیین وصف مجرمانه به حکم قانون به این مفهوم که قانونگذار باید فعل یا ترک فعل را از پیش، جرم انگاری کرده و برای آن کیفری مقرر کرده باشد و مادام که قانونگذار رفتاری را جرم شناخته و برای آن کیفری معین نکرده است؛ آن رفتار مباح و مجاز است.

اولین بار در قرن ۱۸ م در راستای نفی استبداد قضایی این اصل مطرح شد.

طرح اصل مذکور توسط منتسکیو در کتاب روح القوانين

طرح اصل مذکور توسط بکاریا در کتاب جرائم و مجازاتها

طرح اصل مذکور در اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ م

طرح اصل مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ م

مبانی تاریخی این اصل:

آیه ۷ سوره طلاق: «لایکلف الله نفسا الا ما آتیها»

آیه ۱۵ سوره اسرا: «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا»

قاعده منع عقاب بلا بیان

حدیث نبوی رفع (رفع عن امتی تسعه اشیاء.....)

اصل اباحه

مبانی شرعی اصل در نظام جزایی اسلامی:

اصول ۱۶۷ و ۱۶۹ قانون اساسی ج.ا.ا.

اصول ۳۲، ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی ج.ا.ا.

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

مبانی قانونی اصل در نظام قانونی ایران:

تفسیر مضیق قوانین جزایی

نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها:

عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری (جزایی)

نکته: سوال کارشناسی ارشد آزاد سال ۹۱: هر دو اصل فوق (تفسیر مضیق و عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی) از اصول مسلم حقوق جزا می‌باشند.

نکته: مفهوم تفسیر قوانین: کشف مقصود قانونگذار و آشکار کردن معنی الفاظ قانونی که در ظاهر مبهم و مجمل‌اند.

مقام تفسیر قانون اساسی: شورای نگهبان است.

مقام تفسیر قوانین عادی: مجلس شورای اسلامی است.

مقام صالح در تفسیر قوانین:

محدوده اختیار قاضی در تفسیر قوانین: در حد تمیز حق است؛ به نحوی که قاضی حق

جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی را نخواهد داشت.

<p>تفسیر قوانین عادی توسط مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۳ قانون اساسی ج. ۱.۱.)</p> <p>تفسیر قانونی: تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان (اصل ۹۸ قانون اساسی ج. ۱.۱.)</p>	<p>انواع تفسیر قانون: (به اعتبار مقام تفسیر کننده)</p>
<p>تفسیر قضایی: تفسیر توسط قاضی در مقام تمیز حق (اصول ۷۳ و ۱۶۶ قانون اساسی ج. ۱.۱.)</p> <p>تفسیر مضیق، محدود، ادبی یا منطوقی</p>	
<p>تفسیر منطقی (یا توضیحی یا غایی)</p> <p>تفسیر از طریق قیاس با رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها</p>	
<p>تفسیر موسع به نفع متهم (تفسیر گسترده به ضرر متهم جایز نیست؛ با رعایت حاکمیت اصل برائت/ سوال کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۲)</p> <p>تفسیر دکترین:</p>	

نکته: اصل در قوانین کیفری بر تفسیر مضیق قوانین است.

نکته: تفسیر به نفع متهم، ریشه در اصل برائت دارد. (دکتر اردبیلی)

نکته: از آثار تفسیر مضیق، تبرئه در حال شک و منع دلیل تراشی به وسیله قیاس است. (دکتر نوربها)

نکته: تفسیر منطقی یا توضیحی: احراز نظر واقعی مقنن است.

نکته: تفسیر مضیق قوانین جزایی شامل قوانین ماهوی بوده و قوانین شکلی را شامل نمی‌شود. بنابراین در قوانین شکلی که اصولاً برای اجرای بهتر عدالت و سهولت کشف حقیقت وضع می‌شوند؛ تفسیر موسع پذیرفته شده است.

نمونه: تفسیر لفظی واژه «اکاذیب» در ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در صیغه جمع که مستلزم تحقق اظهار بیشتر از یک قول دروغ یا اسناد بیشتر از یک عمل خلاف حقیقت باشد با منطبق مقرر در مقابله با جرم نشر اکاذیب مطابقت ندارد؛ به همین دلیل در مورد مقرر مشابه ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات که در ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی سابق آمده بود؛ شعبه ۲ دیوانعالی کشور در حکم شماره ۲۶۲۲ مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۱۰ چنین تفسیر می‌نماید: «... و اکاذیب و اعمال هم هر چند در ماده مزبور به کلمه جمع گفته شده ولی منظور نوع آن امور بوده و بر حسب عرف و تبادل به یک عمل صدق می‌کند و اگر کسی یک فقره امر کذب و خلاف حقیقت را هم به نحو مقرر در آن ماده به غیر نسبت دهد؛ قابل تعقیب است.»

تبرئه در حال شک

نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها:

منع دلیل تراشی به وسیله قیاس

۰۲۱۹۶۵۸۱۷۴۸۹۰۲۱۹۶۱۰

قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری یا قلمروی اجرای قوانین در زمان

ماده ۱۰- در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

تبصره - مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.

مفهوم قاعده: اصولاً اثر قوانین ناظر به آینده است و قوانین بر گذشته بار نمی‌گردد و هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است؛ جرم محسوب نمی‌شود.^۱

نکته: برخلاف تفسیر مضیق قوانین جزایی که در قانون مجازات اسلامی ماده استنادی ندارد؛ قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین مستند صریح دارد: ماده ۱۰ ق.م.ا.

مبانی قانونی: اصل ۱۶۹ قانون اساسی ج.ا.ا. ماده ۴ قانون مدنی مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

نکته: به جای عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی از عبارت «تعارض قوانین کیفری در زمان» نیز استفاده می‌شود.

تحلیل ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی:

۱. مبنای ماده ۱۰ ق.م.ا، اصل ۱۶۹ قانون اساسی می‌باشد.
۲. ماده ۱۰ ق.م.ا فقط در مقررات دولتی (همه قوانین جزایی ماهوی به جز حدود، قصاص و دیات) کاربرد دارد.
۳. ماده ۱۰ ق.م.ا در کلیه احکام شرعی (حدود، قصاص و دیات) به استناد رای وحدت رویه ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ کاربرد ندارد.

استثنائات ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی:

۱. امکان عطف بماسبق نشدن قوانین تفسیری (سوال کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۶)
- قوانین تفسیری: قانونی است که از قانون دیگر رفع ابهام می‌کند و قانون جدیدی محسوب نمی‌شود؛ پس اثر آن از تاریخی است که قانون اصلی لازم الاجرا شده باشد.

۲. امکان عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی لاحق که به نفع متهم باشند؛ (با رعایت مقررات ماده ۱۰ ق.م.ا)

قوانین لاحقی که به موجب آنها از رفتار سابق متهم جرم زدایی شود. (بند الف م ۱۰)

قوانین لاحقی که به موجب آنها مجازات جرم ارتكابی تخفیف داده شود. (بند ب م ۱۰)

کیفیت عطف بماسبق نشدن قوانین لاحق:

اگر حکم قطعی صادر نشده باشد: قانون لاحق قابل اعمال است.

قوانین لاحقی که به موجب آنها از رفتار سابق متهم جرم زدایی شود:

اگر اجرا نشده دیگر اجرا نمی‌شود.

اگر در حال اجرا باشد؛ قرار موقوفی اجرا صادر می‌شود.

اگر قبلاً اجرا شده اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود.

اگر حکم قطعی صادر شده باشد:

^۱ - یکی از مبانی فقهی قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری قاعده الجبّ است؛ این قاعده به معنای از بین بردن و محو کردن است و مورد آن در جایی است که انسان گناهی قبل از تشریح به دین اسلام داشته اما اسلام آنها را محو می‌کند.

قاضی اجرای مجازات موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادر کننده حکم قطعی اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند.

قوانین لاحقی که به موجب آنها مجازات جرم ارتكابی تخفیف داده شود:

محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا کند؛ دادگاه صادر کننده حکم با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد.

در اقدامات تامینی و تربیتی ناظر بر اطفال بزهکار نیز ولی یا سرپرست طفل می‌تواند؛ تخفیف اقدام تامینی و تربیتی را تقاضا کند.

نکته: با لحاظ بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا پس از لازم الاجرا شدن حکم، قاضی اجرای مجازات موظف است در بازه زمانی مذکور از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای اصلاح حکم را نماید؛ اما محکوم قبل از لازم الاجرا شدن حکم نیز امکان تقاضای اصلاح حکم، مطابق قانون لاحق مخففه را از دادگاه صادر کننده حکم دارد؛ با تاکید بر این نکته که در این مورد به دادگاه صادر کننده حکم قطعی اشاره کرده است.

نکته: در ماده ۱۰ ق.م.ا قواعد مربوط به عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی به طور محدود رعایت می‌شوند و فقط در برخی موارد، استثنائاً قوانین جزایی لاحق به گذشته بر می‌گردند.

نکته: بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا نسخ بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری است که؛ قوانین لاحق تخفیف دهنده مجازات را از موارد امکان تقاضای اعاده دادرسی می‌دانست؛ در حالی که به استناد بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا این امر از موجبات تخفیف مجازات از طریق دادگاه صادر کننده حکم محسوب خواهد شد. (سوال قضاوت سال ۱۳۹۱)

نکته: قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی در جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات اعمال نمی‌شود؛ بنابراین، این قوانین شرعی به گذشته عطف می‌شوند. (سوال وکالت سال ۱۳۹۱ و قضاوت سال ۱۳۹۱)

نکته: در جرم جاسوسی چنانچه تحصیل خبر در زمان قانون سابق باشد و اعلام خبر در زمان قانون لاحق: وی طبق قانون لاحق محاکمه خواهد شد؛ حتی اگر قانون لاحق شدید باشد.

نکته: به موجب قانون جزایی لاحق، مجازات جرم ارتكابی تخفیف می‌یابد. محکوم علیه برای اعمال تخفیف در مجازات موضوع حکم چگونه باید اقدام کند؟ می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای اعمال تخفیف را بنماید. (بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) (سوال مشاوران سال ۹۸)

قوانین خفیف
قوانین جرم زدا
قوانین مساعد به نفع متهم
قوانین ناظر به مرور زمان
قوانین شکلی با لحاظ ماده ۱۱ ق.م.ا
قوانین تفسیری

قوانینی که استثنائاً عطف بماسبق می‌شوند:

قوانین خفیف: قانونی است که از نظر مجازات نسبت به قانون سابق بر خود، خفیف‌تر باشد و ملاک تشخیص خفیف‌تر بودن مجازات، بررسی حداقل و حداکثر مدت محکومیت در مجازات حبس یا میزان مبلغ در مجازاتهای مالی است. همچنین در این امر، نوع مجازاتها نیز ملاک می‌باشند؛ چنانکه مجازاتهای تعزیری نسبت به مجازاتهای حدی اخف محسوب می‌شوند.

قوانین جرم زدا: قانون جدیدی است که با لغو مجازات مندرج در قانون سابق، حکم بر جرم بودن عمل را از اثر بیندازد.
قوانین مساعد به حال متهم:

۱. قانونی که قانون پیشین (سابق) یا مجازات قانونی را نسخ کند.
۲. قانونی که اسباب اباحه جدیدی پیش بینی کند.
۳. قانونی که عناصر تشکیل دهنده یک جرم قابل مجازات را با جزئیاتش تشریح کند.
۴. قانونی که متضمن معاذیر معاف کننده یا مخففه باشد. (قوانینی که شرایط مساعد همچون عوامل موجهه جرم، عوامل رافع مسئولیت کیفری، معافیت‌ها یا معاذیر قانونی، کیفیات مخففه و جهاتی همانند آنها را افزایش دهد).
۵. قانونی که دامنه کیفیات مخففه را افزایش دهد.

۶. قانونی که کیفیات مشدده را بکاهد یا حذف کند.
۷. قانونی که مجازات تبعی را به تکمیلی تبدیل کند. (و قانونی که مجازات تکمیلی جرمی را حذف و یا مجازات تبعی جرمی را به مجازات تکمیلی اختیاری تبدیل کند.)
۸. قانونی که به جای مجازات، اقدام تامینی پیش بینی کند. (و قانونی که در مورد جرمی که قبلاً مجازات حبس داشته است؛ اجازه تعلیق دهد.)
۹. قانونی که درجه مجازات جرمی را تخفیف دهد.
۱۰. قانونی که منوط کردن تعقیب کیفری در یک جرم به شکایت خصوصی، جرم غیر قابل گذشت را به قابل گذشت تبدیل نماید. (سوال کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۳)

نکته: تبدیل حبس درجه شش به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج، مشمول عطف بماسبق نشدن است.

قوانین تفسیری: قانونی است که از قانون دیگر رفع ابهام می کند و قانون جدیدی محسوب نمی شود؛ پس اثر آن از تاریخی است که قانون اصلی لازم الاجرا شده است.

مسئله: قانون لاحق اخیر التصویب، حداقل ضمانت اجرای کیفری جرمی را در قانون سابق افزایش، (و حداکثر مجازات را کاهش دهد؛ چنین قانون لاحقی نسبت به قانون سابق خفیف محسوب می شود؛ زیرا ملاک برای ارزیابی تخفیف یا تشدید دو مصوبه قانونی، بررسی حداکثر مجازاتهای آنها است که در بررسی مربوطه حداکثر مجازات نسبت به قانون سابق کاهش یافته است؛ بنابراین قانون مخففه محسوب می شود. (سوال کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۹۱)

نکته آزمونی: چنانچه در سوال آزمونی مشاهده کردید که عنوان شده: قانون جدید جرم زدا یا مخففه تا قبل از صدور حکم قطعی، تصویب شده است؛ فعلاً نوبت به اعمال بند الف و ب ماده ۱۰ ق.م.ا.ن می رسد بلکه محل اعمال بندهای مذکور از ماده یاد شده، زمانی است که حکم محکومیت صادر و قطعی شده باشد.

نکته: اصل تفسیر از طریق قیاس در حقوق جزا حاکمیت ندارد؛ مگر قیاس منصوص العله

تست شبیه ساز: اگر قبل از صدور حکم قطعی محکومیت، قانونی مبنی بر تبدیل مجازات به اقدامات تامینی و تربیتی وضع شود؛ چه تأثیری در رسیدگی خواهد داشت؟

(۱) دادگاه می تواند مجازات را به اقدام تامینی و تربیتی تبدیل کند.

(۲) دادگاه طبق قانون جدید حکم خواهد داد.

(۳) در صورتی که اقدامات تامینی و تربیتی مساعد به حال متهم باشد؛ دادگاه مکلف است طبق قانون جدید حکم صادر کند.

(۴) قاضی اجرای احکام از دادگاه، اصلاح حکم را می خواهد و دادگاه مکلف است مجازات را به اقدام تامینی و تربیتی تبدیل نماید.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. همانطور که می دانید در این سوال هنوز حکم صادر نشده و یا اگر صادر شده هنوز قطعی نشده است؛ اولاً باید بدانید که اعمال مفاد ماده ۱۰ برای دادگاه الزامی است نه اختیاری، ثانیاً باید بدانید که اگر حکم صادره قطعیت می یافت و سپس قانون جدید جرم زدا یا مخففه تصویب می شد؛ در این صورت گزینه ۴ صحیح می شد؛ در حالی که گزینه ۲ صحیح است.

یکی دیگر از سوالاتی که تابحال طرح نشده و مهم می باشد؛ **تقدم یا تأخر تصویب قانون است.** به این صورت که دقت داشته باشید؛ اگر تاریخ تصویب قانون جرم زدا **قبل از وقوع رفتار مجرمانه باشد**؛ در این صورت در خصوص این رفتار **باید قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر شود**؛ زیرا قانون رفتاری را که سابقاً جرم بوده در حال حاضر جرم زدایی کرده و آن رفتار هم پس از تصویب قانون مذکور واقع شده؛ پس چون رفتار یاد شده جرم نیست؛ لذا طبق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر خواهد شد. اما آنچه در ماده ۱۰ ق.م.ا.ن مدنظر مقنن بوده، **تقدم ارتکاب رفتار مجرمانه بر تصویب قانون جرم زداست**؛ یعنی اگر ابتدا رفتار مجرمانه واقع شود و سپس قانون جرم زدا تصویب گردد؛ مشمول ماده ۱۰ ق.م.ا.ن شده و مستند به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری **قرار موقوفی صادر می شود.**

بنابراین چنانچه:

تاریخ تصویب قانون جرم زدا قبل از وقوع رفتار مجرمانه باشد ← **قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر می شود.**

ابتدا رفتار مجرمانه واقع شود و سپس قانون جرم زدا تصویب گردد ← **قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.**

تست شبیه ساز: قانونی مبنی بر نسخ مجازات وضع شده است. در این صورت مرجع قضایی چه قراری صادر می کند؟

(۱) طبق ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر می کند.

(۲) زمانی طبق ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر می کند که هنوز حکم قطعی صادر نشده باشد، در غیر اینصورت طبق ماده ۵۰۵ همان قانون قرار موقوفی اجرا صادر خواهد شد.

(۳) زمانی طبق ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر می کند که رفتار مجرمانه قبل از تصویب قانون مذکور باشد و هنوز حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد.

(۴) مرجع قضایی در صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب اختیار دارد.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. همانطور که بیان شد؛ باید به تاریخ تصویب قانون و تاریخ وقوع عنصر مادی توجه نمود؛ به دلیل اینکه در اینجا تاریخ ذکر نشده باید به محتوای گزینه ها دقت کرد. طبق آنچه پیشتر بیان شد؛ گزینه ۳ پاسخ سوال است و اگر نقطه مقابل گزینه ۳ مطرح می شد و رفتار مجرمانه بعد از تصویب قانون جرم زدا بود، قرار منع تعقیب صادر می گردید.

یکی دیگر از سوالات قابل طرح از ماده ۱۰ که در آزمون‌های مختلف سابقه طرح سوال داشت؛ مصادیق تمثیلی قانون مساعد به حال مرتکب است. ممکن است سوالی مطرح گردد که تا بحال مصداق آن در کتب اساتید مطرح نشده و شما باید با شم خود بتوانید تشخیص دهید که آیا این قانون مساعد به حال مرتکب است یا خیر؟

به طور کلی اگر قانون لاحق، مبتنی بر تاسیس نهاد ارفاقی جدید باشد؛ مساعد به حال مرتکب محسوب شده و باید عطف بماسبق گردد.

تست شبیه ساز: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای اولین بار مجازات جایگزین حبس را به عنوان یکی از نهادهای ارفاقی تاسیس نمود. در خصوص عطف مفاد این قانون نسبت به جرائم قبل از تاریخ ۹۲ کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) چون نهاد ارفاقی و مساعد به حال مرتکب است؛ عطف بماسبق می‌شود.
- (۲) تنها در صورتی عطف بماسبق خواهد شد که در خصوص جرائم قبل از تصویب آن قانون، حکم محکومیت صادر نشده باشد.
- (۳) تنها در صورتی عطف بماسبق خواهد شد که در خصوص جرائم قبل از تصویب آن قانون، حکم محکومیت قطعی لازم الاجرا صادر نشده باشد.
- (۴) اگر دادگاه مجازات جایگزین حبس را مساعد به حال مرتکب تشخیص دهد، مقررات آن را اعمال خواهد کرد.

گزینه ۳ صحیح است. در خصوص نهاد مجازات جایگزین حبس باید عنوان نمود که هر چند مجازات جایگزین حبس مساعد به حال مرتکب است اما به تصریح مقنن اگر قبل از وضع قانون ۱۳۹۲، حکم محکومیت قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد؛ در این صورت قانون مذکور هر چند در این زمینه مساعد به حال مرتکب است اما به جهت تصریح خود مقنن، عطف بماسبق نخواهد شد. (ماده ۷۴ ق.م.ا)^۱ در این ماده به قید حکم «محکومیت قطعی لازم الاجرا» دقت کنید. هم باید حکم محکومیت صادر شده باشد هم قطعی و لازم الاجرا شده باشد و الا مجازات جایگزین حبس نیز طبق اصل کلی قانون مساعد به حال مرتکب و مفهوم مخالف ماده ۷۴، عطف بماسبق خواهد شد.

یکی دیگر از فروضی که از ماده ۱۰ قابلیت طرح سوال دارد؛ شقوق مختلف بند الف و ب ماده ۱۰ ق.م.ا می‌باشد که معمولاً همه شما با آن آشنا هستید؛ به این صورت که حکم محکومیت قطعی صادر شده و قانون جرم زدا تصویب گردیده:

(۱) هنوز حکم اجرا نشده باشد.

(۲) حکم در حال اجرا است.

(۳) حکم اجرا و تمام شده و هنوز مدت مجازات تبعی تمام نشده است.

(۴) حکم اجرا و تمام شده و مدت مجازات تبعی نیز زایل گردیده است.

فرض چهارم در متن قانون نیست؛ اما از روح قانون قابل استخراج است. در حالت اول و دوم قرار موقوفی اجرا توسط قاضی اجرای احکام کیفری صادر می‌شود. علاوه بر قرار موقوفی اجرا، مجازات تبعی خود به خود منتفی خواهد شد و در این زمینه مقام قضایی مکلف نیست در حکم خود به منتفی شدن مجازات تبعی نیز تصریح کند. در حالت سوم مجازات اصلی تمام شده اما هنوز مجازات تبعی پابرجاست که با تصویب قانون، مجازات تبعی نیز منتفی می‌شود اما در فرض چهارم تصویب قانون جدید به جهت انتفای مجازات اصلی و تبعی در خصوص محکوم علیه بی‌تاثیر است.

دقت کنید که در فرض سوم و چهارم محکوم علیه نمی‌تواند تقاضای جبران خسارت کند. به این علت این را ذکر کردیم که در بازداشت ناروا در قانون آیین دادرسی کیفری امکان جبران خسارت پیش بینی شده و ممکن است طراح سوال شیطنت نموده و ذهن شما را به مفاد ماده ۲۵۵ مشغول نماید و طوری وانمود کند که شما طریق اولویت بگیرید و بگویید وقتی امکان مطالبه خسارت بازداشت موقت ناروا وجود دارد؛ پس به طریق اولی در حکم محکومیت نیز این امکان وجود دارد؛ در حالی که اصلاً چنین نیست.

در بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا نیز که قانون مخففه یا مساعد به حال مرتکب تصویب شده، قاضی اجرای احکام مکلف است از دادگاه صادر کننده حکم قطعی اصلاح حکم را تقاضا کند و دادگاه صادر کننده حکم قطعی مکلف به اصلاح حکم است. در این بند شما باید دادگاه صادر کننده حکم قطعی را بشناسید. اگر حکم در دادگاه بدوی صادر شده و به جهت درجه ۸ بودن قطعی بوده یا به جهت عدم اعتراض در مهلت قانونی قطعی شده، قاضی اجرای احکام از دادگاه بدوی اصلاح حکم را می‌خواهد اما اگر درجه ۸ نبوده و حکم صادر مورد اعتراض قرار گرفته و در دادگاه تجدیدنظر استان تایید شده یا دادگاه تجدیدنظر آن را نقض و ماهیتاً حکم صادر کرده، در این صورت دادگاه صادر کننده حکم قطعی، دادگاه تجدیدنظر استان است.

۱- ماده ۷۴- مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم الاجراء شدن این قانون صادر شده است اجراء نمی‌شود.

☐ مقررات ماده فوق اشاره به عطف بماسبق نشدن مقررات مجازات‌های جایگزین حبس دارد؛ مشروط بر اینکه مرحله تجدیدنظر را طی نموده و قطعیت یافته باشد. در غیر اینصورت شامل احکامی که در زمان لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مرحله تجدیدنظر را طی نکرده است؛ نخواهد شد.

قوانین شکلی

ماده ۱۱- قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی

ت- قوانین مربوط به مرور زمان

تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌شود.

☐ **کدینگ ماده ۱۱: آتشم: ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم / تشکیلات قضائی و صلاحیت / شیوه دادرسی / مرور زمان**
یا کدینگ (تشکیلات شام)

قوانین شکلی: قوانینی هستند که سازمان، صلاحیت و طرز عمل مراجع کشف و تحقیق و صدور حکم و نیز راه‌های شکایت از احکام را بیان می‌کنند. (دکتر کیومرث کلانتری)

منظور از عطف بماسبق شدن قوانین جزایی شکلی: آن است که جرائمی که تعقیب آنها شروع نشده و یا منتهی به صدور حکم قطعی نشده‌اند؛ از جهت تشریفات رسیدگی و صلاحیت مراجع قضایی تابع قانون جدید می‌باشند.

علت عطف بماسبق شدن قوانین شکلی: آن است که فرض بر این است که قانون شکلی جدید هم بهتر می‌تواند منافع فرد و جامعه را تامین و هم در جهت کشف حقیقت است که پایه و مبنای تمیز حق از باطل را تشکیل می‌دهد. (دکتر گلدوزیان)

دیوان عالی کشور از دیرباز اصل عطف بماسبق شدن قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری را پذیرفته و در آرای متعدد خود اینچنین اظهار کرده است: **اصولاً قوانین مربوط به رسیدگی و اصول محاکمه که امر صلاحیت نیز از آن قبیل است؛ عطف بماسبق می‌شود.**

البته قوانین شکلی در صورتی که معارض حقوق مکتسب اشخاص بوده یا شدیدتر از قانون سابق باشند؛ عطف بماسبق نخواهند شد. (مرحوم دکتر آخوندی)

قوانین ذیل نسبت به جرائم سابق بر وضع خود به موجب ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی، فوراً اجرا می‌شوند؛ (سوال قضاوت سال ۱۳۹۲ و وکالت سال ۱۳۹۲)

۱. قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت؛
۲. قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم: اگر در این بند حکم قطعی صادر شده باشد؛ پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌شود. (منظور از دادگاه صادر کننده حکم قطعی لزوماً مرجع بدوی صادر کننده حکم نیست؛ بلکه مرجع قضایی‌ای که حکم آن، قطعی لازم الاجرا محسوب شده، ملاک می‌باشد.)
۳. قوانین مربوط به شیوه دادرسی؛
۴. قوانین مربوط به مرور زمان.

تغییراتی که ممکن است در تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌ها به موجب قانون جدید به وجود آید به دو صورت متصور است:

نخست: قانون جدید سازمان و تشکیلات قضایی را که در زمان وقوع جرم صلاحیت رسیدگی به آن را داشته منحل کند و رسیدگی به این جرم را در صلاحیت مراجع قضایی قرار دهد: در این گونه موارد قانون جدید فوراً قابل اجرا است و نسبت به جرائمی که سابق بر وضع قانون جدید به وقوع پیوسته و هنوز تحت تعقیب قرار نگرفته نیز اثر قهقراپی دارد.

دوم: قانون جدید بدون آنکه دادگاه‌های صالح را منحل کند؛ رسیدگی به جرم و یا جرائمی را از صلاحیت دادگاه‌های مذکور خارج و آن را در صلاحیت دادگاه‌های دیگر وارد نماید؛ در این خصوص سه نظر بین حقوقدانان وجود دارد:

اول: قانون جدید فوراً اجرا می‌شود؛ خواه رسیدگی شروع شده باشد؛ خواه شروع نشده باشد و خواه این قانون به زیان متهم باشد و خواه نباشد؛ مثل قانونی که رسیدگی به جرمی را که قبلاً در صلاحیت دادگاه‌های عمومی بوده در صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی قرار دهد. (دکتر سبزواری نژاد/ دکتر آخوندی/ دکتر نوربها)

دوم: شروع شدن یا نشدن رسیدگی در این مورد مهم نیست و دادگاه جدید صلاحیت خواهد داشت؛ مگر آنکه قانون جدید به زیان متهم باشد؛ مثل آنکه قانون جدید رسیدگی به جرمی را که در

صلاحیت دادگاه عمومی بوده در صلاحیت دادگاه اختصاصی قرار دهد. (دکتر صانعی/ دکتر منصور آبادی)

سوم: چنانچه دادگاه شروع به رسیدگی کرده باشد؛ قانون جدید مانع رسیدگی دادگاه صلاحیت دار نخواهد شد ولی اگر هنوز رسیدگی شروع نشده باشد؛ دادگاه جدید صلاحیت خواهد داشت. (دکتر کلانتری/ دکتر محسنی)

اگر در مورد شخصی بر اساس قانون قدیم حکم برائت صادر شده باشد و بر اساس قانون جدید ادله اثبات تغییر کرده باشد؛ دیگر نمی توان او را مجدداً محاکمه نمود. ولی در صورتی که بر اساس قانون قدیم در مورد او حکم محکومیت صادر شده باشد؛ می توان با استناد به قانون لاحق، پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده حکم قطعی فرستاد. (دکتر شمس ناتری)

منظور از قوانین مربوط به شیوه دادرسی: قوانین مربوط به نحوه تشکیل پرونده، تعقیب، تحقیق، بازجویی، بازداشت، قرار تامین و چگونگی تشکیل دادگاه و مواردی از این قبیل است. این قوانین در صورتی عطف بماسبق می شوند که به زیان متهم نباشند. بنابراین هرگاه قانون لاحق راه اعتراض و شکایت نسبت به احکام و قرارهای دادگاه را برخلاف قانون سابق مسدود کند و یا مهلت آن را تقلیل دهد معارض حقوق مکتسب محسوب می شود و هیچ گاه عطف بماسبق نمی شود. (دکتر اردبیلی/ دکتر سبزواری نژاد)

قوانین مربوط به مرور زمان: در مورد قوانین مربوط به مرور زمان، باید گفت که مطلقاً عطف بماسبق می شوند؛ خواه به زیان متهم باشند و خواه به سود او. **رویه قضایی و اداره حقوقی قوه قضاییه** این نظریه را پذیرفته است. (+دکتر علی خالقی) اما برخی اساتید با آن مخالف هستند و معتقدند که در این مورد نیز قانون در صورتی فوراً اجرا می شود که به زیان متهم نباشد. (دکتر منصور آبادی/ دکتر اردبیلی) ضمناً جرائمی که قبل از قانون سال ۱۳۹۲ واقع شده اند و تا زمان اجرای این قانون مشمول مرور زمان نشده اند؛ با توجه به صراحت بند ت ماده ۱۱ ق.م.ا مشمول مقررات این قانون هستند.

نکته: اگر مهلت مرور زمان هنگام ورود قانون جدید تمام شده باشد؛ مساله ای ایجاد نمی کند؛ موقعیت به طور قطع اکتسابی است و قانون جدید نمی تواند آن را تغییر دهد. (دکتر نوربها/ دکتر خالقی) اداره حقوقی قوه قضاییه نیز همین نظر را تایید کرده است:

نظریه اداره حقوقی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲: چنانچه جرمی بر اساس مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مشمول مرور زمان شده باشد به لحاظ رعایت حقوق مکتسبه متهم یا محکوم علیه باید حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای حکم صادر شود.

نکته: برخلاف مقررات جزای ماهوی، مقررات شکلی جزا عطف بماسبق می شوند مگر در دو حالت:

۱. **اول اینکه؛ مقنن تصریح بر عدم عطف کند؛**

۲. **دوم اینکه؛ عطف بماسبق شدن قانون شکلی جزایی با حقوق مکتسبه^۱ متهم در تعارض باشد؛ مثلاً مدت مرور زمان را افزایش یابد. در این دو فرض مقررات شکلی جزایی برخلاف اصل، به گذشته تسری نمی یابد.**

نکته: اجرای قانون جدید نافی اقدامات و تحقیقاتی که در زمان حکومت قانون سابق به تدریج و به طور صحیح انجام یافته نیست و حتی پس از تصویب قانون شکلی جدید، اقدامات و تحقیقات قبلی را باید صحیح و معتبر دانست و این مورد هم نباید مشمول عطف بماسبق شدن قوانین شکلی شود.

نکته: حکم مذکور در تبصره ماده ۱۱ **استثنایی بر اصل فراغ دادرسی است.**

نکته: بند الف ماده ۱۱ ق.م.ا با حکم تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ تخصیص خورده است. بنابراین تبصره مذکور به بند الف ماده ۱۱ تخصیص می زند.

نکته: از جمله مصادیق بند پ ماده ۱۱ ق.م.ا می توان به **هزینه های دادرسی و مهلت تجدیدنظر خواهی** اشاره کرد.

۱ - در قوانین آیین دادرسی کیفری اصل بر عطف بماسبق شدن قوانین است؛ زیرا در این قوانین، مقررات لاحق با فرض تامین بهتر عدالت وضع شده و بنا بر اصل اجرای فوری، می توانند به گذشته نیز معطوف باشند؛ مگر حقوق مکتسبه ای از متهم را به مخاطره اندازند.

۲ - ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری
دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان ها تشکیل می شود. در حوزه هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی آن استان رسیدگی می شود.

تبصره ۲- دادرسی علی البدل حسب مورد می تواند به جای رئیس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاههای تجدید نظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می کند بلامانع است.

تبصره ۳- دادگاههای کیفری استان و عمومی جزائی موجود به ترتیب به دادگاههای کیفری یک و دو تبدیل می شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاههای نظامی نیز جاری است.

مقایسه قوانین برای شناخت قانون خفیف (دکتر نوربها)

بین دو قانون آن قانونی شدیدتر است که جرم جدیدی را ایجاد می‌کند یا یک خلاف را به جنحه و یک جنحه را به جنایت تبدیل می‌سازد؛ ولی قانونی خفیف است که کیفیات مشدده را از بین می‌برد یا عناصر تشکیل دهنده یک جرم قابل مجازات را با جزئیاتش تشریح می‌کند یا دامنه کیفیات مخففه را وسعت می‌بخشد و یا در مورد جرمی که قبلاً مجازات حبس داشته است اجازه تعلیق می‌دهد. در مورد قوانین مجازات قانونی خفیف است که به جای مجازات، اقدامات تامینی پیش بینی کند؛ مجازات تکمیلی جرمی را حذف و یا مجازات تبعی جرمی را به مجازات تکمیلی اختیاری تبدیل نماید؛ حداکثر مجازات را پایین بیاورد یا حداقل آن را تقلیل دهد؛ حداقل مجازات را بیشتر کند ولی حداکثر آن را پایین بیاورد. **اشکالات اجرایی قواعد فوق و راه حل آنها:**

□ **ممکن است** قانون حداکثر مجازات پیش بینی شده را بالا ببرد و حداقل آن را پایین بیاورد؛ در اینجا به طور کلی گفته می‌شود قانون شدیدتر است؛ زیرا قدرت کیفری قاضی را توسعه می‌بخشد.

□ **ممکن است** قانون جدید متضمن برخی مقررات خفیف و برخی تصمیمات شدید باشد. رویه قضایی این موضوع را به این شکل حل کرده است که قانون در جمع خود خفیف است؛ زیرا جنایت به جنحه تبدیل شده و باید فوراً قانون جدید اجرا شود.

□ **ممکن است** اشکال به لحاظ چندین قانون متوالی باشد؛ مثلاً جرمی تحت حکومت قانون شدید صورت گرفته و آنگاه قانون خفیف جدیدی وضع شده و سپس قانون شدید دیگری جای آن را گرفته و اعلام محکومیت پس از تصویب قانون جدید باشد که در این صورت رویه قضایی اجرای قانون دوم (خفیف) را تصدیق کرده است؛ زیرا چنانچه آیین رسیدگی سریع‌تر می‌بود؛ متهم تحت حکومت قانون خفیف دادرسی می‌شد و نمی‌توان مجرم را قربانی سرعت کند دستگاه عدالت کرد.

حداقل مجازات را افزایش و حداکثر آن را کاهش می‌دهد: قانون خفیف شمرده می‌شود.

قانونی که:

حداقل مجازات را کاهش و حداکثر آن را افزایش می‌دهد: قانونی شدید محسوب می‌شود.

□ مواردی که در کاربرد قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین ماهوی مطرح می‌شوند:

□ **جرائم فوری:** جرائمی هستند که معمولاً در یک لحظه از زمان اجرا می‌شوند؛ مانند قتل یا تخریب. در این مورد مقایسه ساده بین تاریخها کفایت می‌کند و باید دید جرم در چه تاریخی اتفاق افتاده است. این جرائم تابع قانون زمان وقوع جرم هستند.

□ **جرائم مستمر:** جرائمی هستند که خواه ناشی از اراده فاعل و خواه ناشی از طبیعت اشیاء در زمان به طور مستمر ادامه دارند. ترک انفاق و یا ایجاد سدی غیرقانونی بر روی جریان آب؛ از آن جمله است. در حالت اخیر می‌توان گفت که عناصر تشکیل دهنده جرم در حقیقت در یک لحظه از زمان ایجاد شده و فقط نتایج آن ادامه پیدا می‌کند و تاریخ آن مانند یک جرم آنی تاریخ روز ارتکاب است؛ اما در حالت اول مساله فرق می‌کند و عناصر تشکیل دهنده جرم در هر لحظه از زمان تجدید حیات پیدا می‌کند.^۱ در این شکل، چنانچه حالت مستمر فعل مجرمانه حتی یک لحظه در قانون جدید قرار گیرد؛ این قانون جدید است که باید اجرا شود. بنابراین جرائم مستمر تابع قانون لاحق هستند؛ حتی اگر این قانون شدیدتر باشد.

□ **تکرار جرم^۲:** در صورتی است که کسی دست به ارتکاب جرمی بزند و محکومیت قطعی پیدا کند و یا مجازات را تحمل نماید و مجدداً مرتکب جرم شود.

□ **سوال:** اگر قانون جدیدی تصمیم به مجازات تکرار جرمی بگیرد که قبلاً وجود نداشته است. اگر جرمی پس از اعتبار این قانون انجام شود؛ آیا می‌توان با محاسبه محکومیت قبلی مجازات جدید را در مورد متهم اعمال کرد یا خیر؟

به عقیده برخی از حقوقدانان در این مورد تردید وجود دارد؛ زیرا بر محکومیت جدید اثری بار می‌کنیم که قانون آن را نمی‌خواسته است؛ اما به عقیده عده دیگر باید قانون جدید اجرا شود؛ زیرا مجرم با آگاهی از قانون جدید که شدیدتر است می‌داند که چه نتایجی از ارتکاب جرم عاید او خواهد شد و لذا با انجام آن؛ حالت خطرناک خود را بیشتر نشان می‌دهد که دلیل بر قبول اجرای قانون شدیدتر است و می‌داند که چه نتایجی از ارتکاب جرم عاید او خواهد شد و لذا با انجام آن حالت خطرناک خود را بیشتر نشان می‌دهد که دلیل بر مجازات شرط تکرار جرم باشد نیز (مانند قوانین ما) صادق است.

رعایت دقیق قاعده عطف به ماسبق نشدن مستلزم تعیین تاریخ دقیق وقوع جرم است و در این خصوص باید بین جرائم آنی، مستمر و به عادت تفکیک قائل شد:

- جرائم آنی تابع قانون زمان وقوع جرم هستند؛
- جرائم مستمر تابع قانون لاحق هستند؛ حتی اگر شدیدتر باشد.
- جرائم به عادت در صورتی تابع قانون جدید است که اعمال تشکیل دهنده عادت به اندازه کافی در زمان قانون جدید اتفاق افتاده باشد؛ یعنی برای شمول قانون جدید باید، عادت در زمان قانون جدید احراز شود. (نوربها-اردبیلی)

^۱ - دکتر رضا نوربها- زمینه حقوق جزای عمومی

چند سوال مرتبط با قانون کاهش حبس‌های تعزیری

سوال: یکی از سوالاتی که با تصویب قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ طرح می‌شود این است که آیا این قانون، عطف به ماسبق می‌شود و یا اینکه در مورد افرادی جاری می‌شود که بعد از وضع قانون مرتکب جرم شوند؟ بله، قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۲۳/۲/۹۹ به جهت اینکه مجازات خفیف تری نسبت به قانون مجازات اسلامی تعیین نموده است؛ عطف به ماسبق می‌شود. لذا چنانچه حکم دادگاه، قطعیت یافته و لازم الاجرا شده باشد، به شرح بند "ب" ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی^۱ عمل می‌شود و اگر هنوز حکم قطعی صادر نشده باشد، در این صورت، قاضی پرونده براساس قانون "کاهش مجازات حبس مصوب ۱۳۹۹ رسیدگی و حکم به مجازات صادر می‌کند.

سؤال - اگر در مقام تعدد جرم، دادگاه به تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی این تبصره مطابق قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حذف شده است} استناد و حکم قطعی صادر کرده و در حال اجرا باشد یا هنوز حکم صادره قطعی نشده باشد؛ هم‌اکنون قانون مقرر کرده است که در مقام تخفیف باید به مواد ۳۷ و ۳۸ استناد شود یعنی این که طبق قانون جدید دادگاه می‌تواند در حبس و جزای نقدی تا سه درجه مجازات را تخفیف دهد ... با این وصف، آیا موضوع از مصادیق بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی محسوب می‌شود؟ در فرض سؤال، در صورت صدور حکم و عدم قطعیت آن، پس از اعتراض، مرجع تجدیدنظر نسبت به اعمال قانون لاحق که نسبت به قانون سابق اخف است اقدام می‌کند و در صورت قطعیت حکم نیز با عنایت به تخفیف میزان مجازات در حالت تعدد جرم به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، قاضی اجرای احکام مکلف است از دادگاه صادر کننده حکم، تقاضای تخفیف مجازات کند. (پاسخ کارگروه مشورتی قوه قضاییه)

سؤال - چنانچه مجازات قانونی جرمی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تقلیل یافته اما در دادنامه قطعی مجازاتی که تعیین شده است در محدوده مجازات قانونی تعیین شده به موجب قانون اخیر باشد، آیا بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل اعمال است؟ با عنایت به منطوق و اطلاق بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد، مقررات بند «ب» ماده مذکور در هر صورت قابل اعمال است، اعم از این که مجازات مقرر در دادنامه در محدوده مجازات قانونی تعیین شده به موجب قانون اخیر باشد یا نباشد؛ یعنی معیار اعمال این بند کاهش مجازات قانونی جرم به موجب قانون لاحق است؛ نه مجازات قضایی، از طرفی دادگاه با در نظر گرفتن حداکثر مجازات در قانون سابق و بر اساس معیارهای مقرر در بندهای ذیل ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کیفر کرده است؛ لذا در صورت کاهش مجازات قانونی جرم طبق قانون لاحق، رعایت احتیاط و اصل تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که فرض سؤال نیز مشمول مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد. (پاسخ کارگروه مشورتی قوه قضاییه)

سوال - چنانچه که قبلاً مطابق مقررات ماده ۱۳۴ در اجرای ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ با نقض همه احکام با رعایت قواعد تعدد برای هر جرم مشابه و غیر مشابه تعیین مجازات شده است، با لحاظ مساعد بودن مقررات اصلاحی ماده ۱۳۴ فعلی، آیا باید بار دیگر آخرین دادگاه صادر کننده حکم در مجازات تعیین شده بازنگری کند؟ ملاک اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اخف بودن قانون لاحق نسبت به قانون سابق است؛ بنابراین در فرض سؤال که طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی پیش از اصلاح و یا در اجرای ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری یا نقض همه احکام تعیین مجازات شده است، در صورت اخف بودن قانون لاحق باید طبق مقررات بند «ب» ماده ۱۰ عمل کرد. (پاسخ کارگروه مشورتی قوه قضاییه)

سوال دیگر این است که آیا قانون کاهش حبس‌های تعزیری تأثیری در صلاحیت محاکم کیفری ۱ و ۲ و مراجع تجدیدنظر آنها دارد؟ بله، این قانون، در مورد پرونده‌های در جریان که هنوز منتهی به صدور حکم قطعی نشده است، موجب تغییر صلاحیت محاکم کیفری دو و یک می‌شود. توضیح اینکه طبق ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، دادگاه کیفری ۲ صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را

۱ - بند ب ماده ۱۰: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف میدهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.»

۲ - ماده ۵۱۰ - هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف - اگر احکام به‌طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاه‌ها پرونده‌ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند، تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود.
ب - اگر حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، پرونده‌ها را به این دادگاه ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، شعبه صادرکننده آخرین حکم تجدیدنظر خواسته صلاحیت رسیدگی دارد.

پ - در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه‌های قضایی استان‌های مختلف یا در دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، پرونده‌ها را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا پس از نقض احکام، حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود.

تبصره - در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق‌العاده بدون حضور طرفین به موضوع، رسیدگی و بدون ورود در شرایط و ماهیت محکومیت با رعایت مقررات تعدد جرم، حکم واحد صادر می‌کند.

دارد؛ مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد و طبق بند "ت" ماده ۳۰۲ قانون مزبور، جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر در صلاحیت دادگاه کیفری یک است.

حال فرض کنید مجازات جرمی قبل از وضع "قانون کاهش مجازات حبس" درجه چهار و بالاتر بوده باشد اما بعد از وضع این قانون، مجازات آن جرم درجه ۵ یا ۶ تلقی شود؛ در اینصورت عملاً دادگاه کیفری ۱ دیگر صلاحیت رسیدگی به جرم مربوطه را ندارد و بایستی با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه کیفری ۲ ارسال نماید.

برای مثال جرم آدم ربائی (شخص بالغ بالاتر از پانزده) توأم با حيله و نیرنگ (بدون عنف یا تهدید) و همچنین آدم ربائی وی با وسایل نقلیه و همچنین آدم ربائی کودکان (افراد زیر پانزده سال) که قبلاً طبق ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی درجه ۳ محسوب می شده است، به موجب بند "ب" ماده یک "قانون کاهش مجازات حبس تعزیری"، درجه ۵ محسوب می شود. بنابراین جرم آدم ربائی با وسایل نقلیه و یا با فریب و نیرنگ (بدون عنف و تهدید) که قبلاً در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ بوده است، هم اکنون به موجب بند "ب" ماده یک قانون کاهش مجازات حبس، در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ قرار می گیرد و قاضی دادگاه کیفری یک، مکلف است طبق ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی به فوریت، پرونده های آدم ربائی (با اوصاف فوق) را پس از صدور قرار عدم صلاحیت، به دادگاه کیفری ۲ ارسال نماید.

حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
 ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
 ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲

📌 نکات مهم

نکته: منظور از اصطلاح «مقررات و نظامات دولتی» مقرر در ماده ۱۰ ق.م.ا مجازاتهای تعزیری «مجازاتهای تعزیری غیرمنصوص شرعی» (تعزیرات به استثنای تعزیرات منصوص شرعی) است. به دلیل اینکه قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به حدود، قصاص و دیات می‌باشد. بنابراین اگر مرتکب قبل از انقلاب مرتکب شرب خمر شده باشد و سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی دستگیر شود؛ عمل وی طبق قانون جدید قابل مجازات خواهد بود.

نکته: منظور مقنن از اصطلاح «هیچ اثر کیفری بر آن مترتب نیست» مقرر در ماده ۱۰: یعنی جرم وی مشمول مجازاتهای تبعی نمی‌شود.

نکته: ماده ۱۰ ق.م.ا در مورد قوانین موقتی که برای مدت معین و موارد خاص وضع شده‌اند؛ کاربرد ندارد؛ قوانین موقتی قوانینی هستند که در شرایط خاص مثل جنگ، کرونا یا لزوم مبارزه با گران فروشی و احتکار (مثلا در وضعیت تحریم‌های اقتصادی) وضع می‌شوند و اگر بستر زمانی آن قانون بگذرد و قوانینی جدید حتی خفیف‌تر از آن قوانین موقتی وضع شوند؛ این قوانین جدید بر وضعیت مرتکبین جرم‌های مندرج در قوانین موقتی سابق که هنوز جرمشان رسیدگی نشده؛ حاکم نخواهند بود و قانون موقتی سابق همچنان معتبر است. (تبصره ماده ۱۰ ق.م.ا)

نکته: تبصره ماده ۱۰ ق.م.ا اشاره به این نکته دارد که قوانین موقتی (اعم از آزمایشی و معمولی) از شمول قاعده عطف بماسبق شدن خارج هستند. قوانین موقت مانند قوانین مربوط به احتکار و گرانفروشی (همچنین طبق رای اصراری شماره ۶۱۶ مورخ ۷۶/۳/۶ قانون صادرات و واردات از جمله قوانین موقت‌اند). بنابراین مرتکب در بحث قوانین موقت، طبق قانون زمان وقوع، مجازات می‌شود؛ هر چند که قانون لاحق (جدید) مبتنی بر تخفیف باشد.

نکته: نحوه تشخیص قانون خفیف از قانون شدید: ضابطه خاصی ندارد اما در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح حبس اشد از جزای نقدی و شلاق است.

نکته: استثنائات قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری عبارتند از:

۱. تصریح قانونگذار؛
۲. قوانین خفیف؛^۱
۳. قوانین جرم زدا؛
۴. قوانین مساعد به حال متهم؛^۲
۵. قوانین تفسیری؛
۶. قوانین شکلی مگر اینکه برخلاف حقوق مکتسبه باشند و یا قانونگذار تصریح کرده باشد؛
۷. قوانین مرور زمان مگر اینکه برخلاف حقوق مکتسبه متهم باشد؛
۸. آرای وحدت رویه. (رای وحدت رویه عطف بماسبق نمی‌شود اما اگر مساعد به حال محکوم علیه باشد عطف بماسبق می‌شود.)

و
و
و
و
و
و
و
و

^۱ - قانون خفیف، قانونی است که از نظر مجازات نسبت به قانون سابق بر خود، خفیف‌تر باشد و ملاک تشخیص خفیف‌تر بودن مجازات، بررسی حداقل و حداکثر مدت محکومیت در مجازات حبس یا میزان مبلغ در مجازاتهای مالی است؛ همچنین در این امر نوع مجازاتها نیز ملاک می‌باشند؛ چنانکه مجازاتهای تعزیری نسبت به مجازاتهای حدی، اخف محسوب می‌شوند.

^۲ - قانونگذار قانون مساعد را تعریف نکرده است و ضابطه مساعد بودن را وضع و حال متهم عنوان کرده است. قانون مساعد قانونی است که وصف مجرمانه را از عمل نمی‌زداید بلکه اوصاف و کیفیات جدیدی را پیش بینی می‌کند که در جهت کمک و ارفاق به متهم است. (دکتر آقای جنت مکان)

□ آرای وحدت رویه و نظریات حقوقی مرتبط با این مبحث

رای وحدت رویه شماره ۷۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۸/۳۰: مستفاد از مقررات ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب، وضع شود، نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد شد و چون مقررات ماده واحده قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ از حیث شرایط محکومیت مرتکبین جرائم مواد مخدر به مجازات اعدام، نسبت به مقررات سابق، این قانون به حال مرتکب مساعدتر است؛ لذا در مقام رسیدگی به فرجام‌خواهی کسانی که مطابق مقررات قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ به مجازات اعدام محکوم شده‌اند؛ دادنامه معترض‌عنه به استناد شق ۴ بند «ب» ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری نقض و پرونده جهت رسیدگی و صدور حکم با لحاظ شرایط قانونی اخیرالتصویب، به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی منقوض ارجاع خواهد شد.

نشر حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
 ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
 ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲

□ خودسنجی (۱)

۱. کدام مورد در خصوص عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری صحیح است؟ سوال دکتری ۱۴۰۰

- (۱) تبدیل حبس درجه شش به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج، مشمول عطف بماسبق نشدن است.
 - (۲) تبدیل مجازات حبس درجه شش به شلاق درجه هفت پس از صدور حکم قطعی، مشمول عطف بماسبق نشدن می‌شود.
 - (۳) کاهش یک درجه‌ای مجازات یک جرم به موجب قانون لاحق تنها تا پیش از صدور حکم قطعی، مشمول عطف بماسبق نشدن نیست.
 - (۴) قابل تعلیق شدن مجازات یک جرم در ضمن افزایش یک درجه‌ای مجازات آن به موجب قانون لاحق، پس از صدور حکم قطعی، مشمول عطف بماسبق نشدن نیست.
- گزینه ۱ صحیح است.

۲. به موجب قانون جزایی لاحق، مجازات جرم ارتكابی تخفیف می‌یابد. محکوم علیه برای اعمال تخفیف در مجازات

موضوع حکم چگونه باید اقدام کند؟ مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۸

- (۱) می‌تواند از دیوان عالی کشور با اعمال اعاده دادرسی تقاضای تخفیف کند.
 - (۲) می‌تواند از دادگاه تجدیدنظر استان تقاضای اعمال تخفیف کند.
 - (۳) می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای اعمال تخفیف را بنماید.
 - (۴) می‌تواند از قاضی اجرای احکام کیفری تقاضا کند و قاضی مزبور تخفیف را اعمال کند.
- گزینه ۳ صحیح است. با استناد به بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد... محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا کند.»

۳. کدام یک از قوانین زیر، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود؟ وکالت سال ۹۵

- (۱) قانونی که مدت زمان مرور زمان تعقیب را افزایش دهد.
 - (۲) قانونی که مدت زمان تحت نظر متهمان را کاهش دهد.
 - (۳) قانونی که مدت زمان اعتراض به قرار تعلیق تعقیب را کاهش دهد.
 - (۴) قانونی که مدت زمان اعلام عقیده بازپرس را درباره صدور قرار مناسب افزایش دهد.
- گزینه ۱ صحیح است. با استناد به بند ت ماده ۱۱ ق.م.ا: «ماده ۱۱- قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود:
- الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت
 - ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم
 - پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی
 - ت- قوانین مربوط به مرور زمان
- تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌شود.»

و
و
و
و
و

۰۲۱۶۶۵۸۱۷۴۸۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۱۶۶۹۲۱۰

منابع اصلی مورد استفاده در این بخش:

- حقوق جزای عمومی دکتر اردبیلی
 بایسته های حقوق جزای عمومی (۳/۲/۱) دکتر گلدوزیان
 زمینه حقوق جزای عمومی دکتر نوربها
 حقوق جزای عمومی دکتر ولیدی
 جزوه حقوق جزای عمومی دکتر سماواتی
 جزوه حقوق جزای عمومی ساولانی
 محشی حقوق جزای عمومی دکتر ملاکر می
 کتاب حقوق جزای عمومی دکتر عظیم زاده
 جزوه حقوق جزای عمومی محسن دیبناژاد
 حقوق جزای عمومی دکتر علیرضا میلانی
 حقوق یار جزای عمومی بهنام اسدی
 حقوق جزای عمومی دکتر انتظاری
 حقوق جزای عمومی، استاد رشیدیان
 جزوه ناجی بیست بخشی زاده
 صفر تا صد حقوق جزای عمومی کمک آزمون
 مجموعه سوالات چهار گزینه ای حقوق جزای عمومی و اختصاصی احمد غفوری
 مجموعه سوالات حقوق جزای عمومی دکتر شادی عظیم زاده
 شرحی بر قانون مجازات اسلامی دکتر بابک فرهی
 حقوق جزای عمومی دکتر سبزواری نژاد
 حقوق جزای عمومی دکتر کیومرث کلانتری
 مختصر حقوق جزای عمومی دکتر عباس منصور آبادی

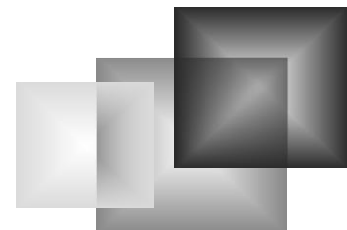
گوشزد: تا آخر درسنامه تخصصی به همین سبک نمونه پیش رفته ایم.

نشر حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
و ۰۲۱۶۶۵۱۱۷۴۸ و ۰۲۱۶۶۵۱۱۷۳۶۶۱۰۲

بخش دوم:
مجموعه مقالات کاربردی

نشر حقوقی علییه ناشر بسته

۹۸۱۱۷۴۰



□ دیوان کیفری بین‌المللی

نخستین دادگاهی که به اراده جامعه بین‌الملل برای رسیدگی به جرایم مرتکبان تشکیل شد دادگاه نورنبرگ و سپس دادگاه توکیو بود. تشکیل این دو دادگاه تحولی شگرف در حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود، چرا که برای نخستین بار در تاریخ، جامعه جهانی با تشکیل یک دادگاه بین‌المللی به جرایم مهمی نظیر نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت پرداخت. پس از این دو و همزمان با آغاز جنگ سرد، رویای تشکیل یک مرجع بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات مهم به محاق فراموشی سپرده شد، اما با شروع اضمحلال بلوک شرق بار دیگر جامعه جهانی نفسی تازه کرد و با ایجاد دادگاه‌هایی ویژه مرتکبان جنایات مهم را تحت پیگرد قرار داد. از این زمره می‌توان به دادگاه ویژه سازمان ملل متحد برای رسیدگی به جنایات یوگوسلاوی سابق و دادگاه ویژه برای رسیدگی به جنایات رواندا اشاره کرد. بعدها هم دادگاه ویژه ای برای رسیدگی به قتل رفیق حریری در لبنان ایجاد شد.

اما تمام این دادگاهها در دو ویژگی مشابه هستند. نخست آنکه همه آنها برای یک دوره مشخص تشکیل شده اند. به عنوان مثال دادگاه رسیدگی به جنایات یوگوسلاوی سابق با محاکمه و کیفر آخرین متهم به ارتکاب جنایت، موضوعیت خود را از دست می‌دهد و موجودیتش به پایان می‌رسد. دوم آنکه حوزه صلاحیت این دادگاهها محدود به مرتکبان خاص است. باز هم در مثال دادگاه یوگوسلاوی، مطابق ماده یک اساسنامه، این دادگاه تنها صالح به رسیدگی به جنایات افرادی است که از سال ۱۹۹۱ میلادی به نوعی در ارتکاب خشونت مسئول بوده اند. بنابراین صلاحیت این دادگاهها محدود به زمان و افراد خاص می‌شود. اما شرایط در دیوان کیفری بین‌المللی متفاوت می‌نماید، این دیوان دایمی است و می‌تواند به جنایات مهم که توسط هر فردی انجام شده رسیدگی کند. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواست که پیش نویس اساسنامه تاسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی را تهیه کند.

نمایندگان صد و شصت کشور در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ به مدت یک ماه در شهر رم ایتالیا گرد هم آمدند و پس از یک ماه مذاکرات دیپلماتیک سرانجام در ۱۷ ژوئیه همان سال، اساسنامه تشکیل دیوان را تصویب کردند. اگرچه الحاق کشورها به این اساسنامه منوط به توشیح و تصویب پارلمان کشورهای امضا کننده است. ایران نیز دو سال بعد این اساسنامه را امضا کرد، اما هیچگونه تصمیمی از سوی مجلس شورای اسلامی برای الحاق به آن اتخاذ نشد.

به هر روی اساسنامه در ماده یک محدوده صلاحیت خود را چنین تعریف می‌کند: «بدینوسیله دیوان کیفری بین‌المللی (دیوان) تاسیس می‌شود. این دیوان نهادی دایمی خواهد بود و قدرت اعمال صلاحیت به اشخاص مرتکب مهم ترین جرایمی که مایه نگرانی بین‌المللی است... را خواهد داشت.»

یکی از مهم ترین ویژگی های دیوان استقلال آن است. دیوان یک نهاد کاملاً مستقل به شمار می‌آید و زیر نظر سازمان و یا ارگانی، حتی سازمان ملل متحد، اداره نمی‌شود. اما این به معنای قطع کامل همکاری‌ها نیست. در همین ارتباط دیوان یک موافقت نامه همکاری با سازمان ملل متحد به امضا رسانده، بر اساس بند یک ماده اول این موافقت نامه: «سازمان ملل متحد، دیوان را به عنوان نهاد قضایی دائمی ... مورد شناسایی قرار می‌دهد.» بند دو همین ماده در ادامه اضافه می‌کند: «سازمان ملل و دیوان متقابلاً متعهد می‌شوند که موقعیت‌ها و مأموریت‌های یکدیگر را محترم شمارند.»

□ اما محدوده صلاحیت دیوان چیست، به بیان دیگر دیوان به جرایمی رسیدگی می‌کند؟ صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی، آن گونه که در اساسنامه این دادگاه آمده است، رسیدگی به جنایات بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

صلاحیت مادی: بند یک ماده پنجم اساسنامه رم پاسخ این پرسش را بروشنی بیان می‌کند: «صلاحیت دیوان محدود است به مهم ترین جرایمی که مایه نگرانی مجموعه جامعه بین‌المللی است . دیوان به موجب این اساسنامه نسبت به جرایم زیر صلاحیت رسیدگی دارد:

□ الف) جرم نسل‌کشی

□ ب) جرایم ضد بشریت

□ پ) جرایم جنگی

□ ت) جرم تجاوز

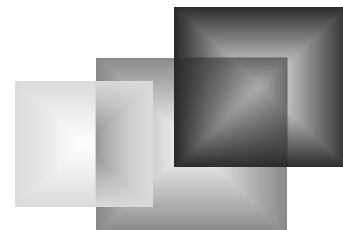
و
و
و
و
و

بخش سوم:

محشای قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲
(مواد مرتبط با حقوق جزای عمومی)

نشر حقوقی علییه ناشر بسته

۹۸۱۱۷۳۶۷۱



کوشزد: نمونه مواد از ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شروع می شود. لازم به ذکر است؛ اصلاحیات قانون کاهش حبس های تعزیری هم در در سنانه مدنظر قرار گرفته و هم در محشای قانون مجازات اسلامی.

ماده ۱۱- قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود:

الف- قوانین مربوط به **تشکیلات قضائی و صلاحیت**

ب- قوانین مربوط به **ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم**

پ- قوانین مربوط به **شیوه دادرسی**

ت- قوانین مربوط به **مرور زمان**

تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به **دادگاه صادرکننده حکم قطعی** ارسال می شود.

☐ **کدینگ: آتشم: ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم / تشکیلات قضائی و صلاحیت / شیوه دادرسی / مرور زمان**

یا تشکیلات شام

☐ این ماده به عطف بما سبق نشدن قوانین شکلی اشاره دارد.

☐ قوانینی شکلی قوانینی هستند که ناظر به صورت خارجی اعمال حقوقی و تشریفات دادرسی و اثبات دعوی می باشد.

☐ در قوانین شکلی اصل بر عطف بماسبق نشدن و اجرای فوری این قوانین است لیکن در این موارد استثنایی وجود دارد و آن صورتی است که **قوانین شکلی جدید در تعارض با حقوق مکتسبه افراد باشد.**

☐ اگر عطف بما سبق شدن قوانین شکلی معارض حقوق مکتسبه متهم باشد؛ عطف به ما سبق نمی شود. به عنوان مثال اگر به موجب قانون شکلی سابق، متهم ظرف ۲۰ روز حق تجدیدنظرخواهی داشته باشد؛ لیکن قانون جدید آن را به ۱۰ روز تقلیل دهد؛ قانون جدید عطف به ماسبق نخواهد شد.

☐ **کدام یک از قوانین، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می شود؟ قانونی که مدت زمان تحت نظر متهمان را کاهش دهد. (سوال وکالت سال ۹۵)**

فصل چهارم - قانونی بودن جرائم مجازاتها و دادرسی کیفری

ماده ۱۲- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.

☐ به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی «حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» که مبین اصل قانونی بودن مجازات و دادرسی می باشد. همچنین به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی که در جهت عنوان وظایف قوه قضائیه می باشد؛ عنوان می کند «احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.»

☐ مطابق همین ماده اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها به **اقدامات تأمینی و تربیتی نیز سرایت یافته است.**

☐ دادگاه ها مطلقاً نمی توانند برای مجازات عمل خلاف شرع که در قانون برای آن مجازات تعیین نشده به منابع شرعی یا عرف مراجعه نمایند.

ماده ۱۳- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتیکه از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر اینصورت، خسارت از بیت المال جبران می شود.

☐ منظور از میزان آن مقدار از حکم است که توسط دادگاه رسیدگی کننده به جرم مطابق بر قانون تعیین می باشد و بایستی میزان آن منطبق بر قانون مربوطه و اجرای آن نیز منطبق بر دادنامه صادره باشد و تخطی از این امر موجب مسؤولیت کیفری و مدنی می باشد.

☐ مقنن نحوه جبران خسارت (که در نتیجه تجاوز از میزان و کیفیت تصریح شده در قانون و حکم دادگاه صورت گرفته) را در دو حالت فرض کرده است:

الف) در صورتی که صدمه و خسارت از روی عمد و تقصیر مرتکب باشد؛ در این حالت هم مسؤولیت کیفری و مدنی با مرتکب یا مرتکبین خواهد بود.

ب) در صورتی که صدمه و خسارت ناشی از عمد و تقصیر مرتکب نباشد در این حالت از بیت المال خسارت زیان دیده جبران خواهد شد.

☐ از جمله مصادیق این ماده، ماده ۵۸۹ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می باشد: مطابق این ماده «در صورتی که حکام محاکم بواسطه ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زایدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد.»

☐ مطالبه خسارت از قاضی خاطی در **دادگاه محل اقامت او** صورت می گیرد؛ لیکن رویه عملی بر آن است که تقصیر قاضی باید در دادگاه انتظامی قضات ثابت شود.

☐ **هرگاه حکم صادره توسط دادگاه کیفری، فراتر از میزان و کیفیتی باشد که در قانون مقرر شده است؛ چنانچه صدمه و خسارتی از این جهت حاصل گردد، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد؛ حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت المال جبران می شود. (سوال وکالت سال ۹۴)**

بخش دوم - مجازاتها فصل اول - مجازاتهای اصلی

ماده ۱۴ - مجازاتهای مقرر در این قانون چهار قسم است:

- الف - حد
- ب - قصاص
- پ - ديه
- ت - تعزير

تبصره - چنانچه رابطه علت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود ديه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.

- با توجه به ماده فوق مجازاتهای بازدارنده حذف و به موجب تعریف مقنن از مجازاتهای تعزیری، مجازاتهای بازدارنده در مجازات تعزیری ادغام شده است. (در قانون فعلی تقسیم چهارگانه‌ای را مورد توجه قرار داده است و در واقع مجازاتهای بازدارنده را زیر مجموعه تعزیر قرار داده است)
- در ماده فوق مقنن مجازاتهای اصلی را عنوان نموده است که مجازاتی است که مقنن برای جرم معینی مشخص نموده است، در کنار مجازات اصلی، مجازات تبعی، تکمیلی و متمیمی را بایستی نام برد.
- قانونگذار جرم حدی را قبول ندارد از این رو حد را به عنوان مجازات محسوب کرده است؛ نه به عنوان جرم.

ماده ۱۵ - حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.

□ کدینگ: ممکن: موجب / میزان / نوع / کیفیت اجرا

یا اصطلاح «حد ممکن»

- حد مجازاتی شرعی است که موجبات منع ارتکاب جرم می‌شود و در قرآن برای سرقت، زنا، قذف و ارتداد مجازات معین شده است.
- شرع مجازات را تعیین و قانون تصریح می‌کند.
- تعریف اصطلاحات:

موجب: سبب اجرای مجازات.

میزان: به معنای اندازه و تعداد اجرای مجازات؛ مثلا تعداد شلاق.

کیفیت: شدت و ضعف اجرای مجازات.

نوع: ماهیت مجازات اعم از شلاق، اعدام، رجم و...

□ انواع حدود عبارتند از:

۱. سنگسار برای زناي مُحْصَن یا محصنه (مرد یا زن متاهل)

۲. صد ضربه شلاق برای زناي غير محصن یا غير محصنه

۳. هشتاد ضربه شلاق برای قذف و شرب خمر

۴. به دار آویختن برای جرم محاربه

۵. قطع انگشتان دست برای جرم سرقت

۶. تبعید برای برخی موارد مانند محاربه، قوادی و زناي محصن

□ در بیشتر موارد تکرار جرم حدی در مرتبه سوم یا چهارم موجب مرگ می‌گردد.

□ جنون مرتکب جرم، پس از صدور حکم، موجب سقوط آن نمی‌گردد.

□ در جرایمی مثل قذف که به حق الناس ارتباط دارد وجود شاکی خصوصی و مطالبه آن از سوی شاکی شرط اجرای حد است.

□ اجرای فوری مجازات حدود بر حاکم شرع واجب است مگر در مواردی که تاخیر آن را لازم دانسته‌اند مثل اجرای حد در مورد زن باردار و شیرده به سبب زیان بار بودن اجرای حکم به حیات طفل و تاخیر در اجرای حکم رجم بر بیماران تا زمان علاج آنها.

ماده ۱۶ - قصاص^۱ مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون

اعمال می‌شود.

□ شرط قصاص، عمد مرتکب در جنایت وارده است.

□ قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی است و در مواردی که امکان اجرای قصاص فراهم نباشد؛ باید مجازات بدلی یعنی ديه را جایگزین آن نمود.

□ علاوه بر نفس و اعضاء، در فرضی که عضو سلب نشده اما منفعتی از بین رفته است؛ نه تنها قانونگذار مجوز قصاص داده است؛ بلکه چنانچه برای منفعت عضو حتی ديه با مقدار مشخص نباشد؛ ديه غیرمقدر خواهد بود.

□ شرایط اجرای قصاص عبارتند از:

۱. تقاضای اولیای دم؛

۲. اذن ولی امر؛

^۱ - قصاص به معنای تلافی است.

۳. اذن ولی دم؛
۴. پرداخت دیه مازاد بر استحقاق؛
۵. ممنوعیت ایذاء جانی.

ماده ۱۷ - دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و

یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.

- منظور از دیه مقدر همان دیه به معنای عام است که میزان آن را شرع مشخص می‌نماید و منظور از دیه نامقدر همان ارش می‌باشد که بر اساس نظر حاکم مشخص می‌شود.
- در طبقه بندی مجازات‌ها، دیه از اقسام مجازات‌ها است. یعنی دیه یک مجازات مالی است؛ (جمع ماده ۱۶ و ۱۷ ق.م.ا) اما از نظر تعریف دیه صرفاً یک مال است که باز هم تعیین آن در شرع بوده ولی به موجب قانون تصریح شده است.
- طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹-۱۳۷۶/۸/۶: ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارد بر اعضاء، دیه تعیین نشده باشد.

ماده ۱۸ - قانون مجازات اسلامی^۲ - تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در

موارد ارتکاب مجرمات شرعی^۳ یا نقض مقررات حکومتی^۴ تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی

تبصره - چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات

انتظامی درجه چهار می‌باشد. (الحاقی به موجب ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

□ **کدینگ: ساشا (سوابق فردی / اقدامات مرتکب / شیوه ارتکاب / انگیزه مرتکب)**

□ تعزیر در قانون سابق مجازاتی بود که حاکم، آن را تعیین می‌کرد و معلوم نبود که منظور از حاکم، حکومت «قوه مقننه» است یا حاکم دادگاه می‌باشد. قانون جدید این ابهام را برطرف کرد و تعیین مجازات را در صلاحیت انحصاری قانونگذار قرار داده و حاکم دادگاه در محدوده‌ای که قانون تعیین کرده است تصمیم می‌گیرد. البته دادگاه نیز در راستای اصل فردی کردن مجازات اختیاراتی در چارچوب قانون دارد. اعمال مقررات تعزیر در دو صورت محقق می‌شود:

الف) ارتکاب مجرمات شرعی: یعنی آنچه که در شرع مقدس انجام آن گناه و معصیت شمرده می‌شود لیکن برای فاعل آن مجازات یا عقوبتی پیش بینی نشده است و در قانون به جرم بودن آن تصریح شده است. (به بیان دیگر عنوان شرعی آنها، مسبوق به زمان شرع است است؛ مانند خیانت در امانت)

ب) نقض مقررات حکومتی: یعنی مقرراتی که جهت حفظ نظم و امنیت کشور پیش بینی شده است که تخطی از آن جرم و مشمول مجازات می‌باشد؛ این نوع کیفرها در تعبیرات امام خمینی «مجازات بازدارنده» نامیده شده است؛ مانند پولشویی

□ عبارت «ارتکاب مجرمات شرعی» اشاره به تعزیر منصوص^۴ و عبارت «نقض مقررات حکومتی» اشاره به تعزیر غیر منصوص

(مجازات بازدارنده) دارد. (تعزیر منصوص شرعی اعم از مقدر و نامقدر است. تشخیص مصادیق قانونی تعزیر منصوص شرعی به دادرسی سپرده شده است)

□ **تقسیم بندی از تعزیرات:**

۱. چنانچه نوع مجازات و مقدار دقیق آن تعیین شده باشد، تعزیر مقدر شرعی است؛

۲. چنانچه نوع تعزیر مشخص شده باشد، اما مقدار دقیق آن تعیین نشده باشد و یا به صورت نسبی و غیر ثابت باشد

(نامقدر)، این تعزیر منصوص شرعی است؛

۳. چنانچه نوع و میزان مشخص نشده باشد، تعزیر نامنصوص شرعی است؛

□ **امکان اعمال نهادهای زیر در مورد تعزیرات منصوص منتهی است:**

۱ - دیه یعنی راندن و رد کردن؛ رد کردن مالی به عنوان خون بها.

۲ - ماده ۱۶ ق.م.ا ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «تعزیر، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.»

۳ - مجرمات شرعی دایره گسترده‌ای دارد اما در اینجا منظور مجرماتی است که به موجب قانون جرم شناخته می‌شود.

۴ - منظور از تعزیر منصوص شرعی عبارت از آن مجرماتی است که از نظر شارع تحریم شده و نوع مجازاتش منصوص و معین است لکن اندازه و میزان دقیق آن بیان نشده است و بر عهده قاضی نهاده شده است. البته طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات نمی‌توان تعزیرات منصوص شرعی که در روایات بیان شده تا زمانی که قانون نشده است بر دادگاه‌ها تحمیل کرد یا اینکه مجازاتی تعیین کنند. مصادیق تعزیر منصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با استناد به روایات بیان شده است و آن محدودیت‌ها صرفاً ناظر به این مصادیق قانونی است.

۱. پذیرش احکام صادره توسط محاکم خارجی (موضوع بند ب ماده ۷ و بندهای الف و ب ماده ۸)
 ۲. محاسبه مدت بازداشت موقت در حکم نهایی (موضوع ماده ۲۷)
 ۳. معافیت از مجازات در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت (موضوع ماده ۳۹)
 ۴. تعویق صدور حکم (موضوع ماده ۴۰)
 ۵. معافیت از مجازات در صورت رعایت شرایط در مدت تعویق صدور حکم و پس از سپری شدن مدت تعویق (موضوع ماده ۴۱)
 ۶. تعلیق مجازات (موضوع ماده ۴۵)
 ۷. تخفیف و تعلیق و تعویق مجازات جرایم ارتكابی توسط اطفال (موضوع مواد ۹۳ و ۹۴)
 ۸. مرور زمان تعقیب و صدور حکم (موضوع ماده ۱۰۵)
 ۹. تأثیرگذاری توبه در سقوط مجازات (موضوع ماده ۱۱۵)
- مقنن در اعمال مجازات تعزیری به اصل فردی کردن مجازات‌ها توجه داشته است که عبارت است از اعمال مجازات بر مبنای ویژگی‌های هر فرد.

□ پیش بینی کیفیات مخففه، عفو، تشدید مجازات، آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات همگی مبین اصل فردی کردن مجازات می‌باشد.

□ مقدار تعزیر بستگی به نظر حاکم شرع دارد که به اقتضای زمان و مکان، نوع گناه و شخص مرتکب، تفاوت می‌کند. لیکن همواره از بالاترین حد شرعی (صد تازیانه) کمتر است. لیکن چنانچه قاضی بخواهد مجازات کمتر از حداقل مجازات مقرر قانونی برای یک جرم اعمال نماید مستند قانونی وی ماده ۳۸ خواهد بود نه ماده فوق.

□ بند (ت) ماده ۱۸ قانون جدید در جهت اصل فردی کردن قضایی مجازات پیش بینی شده است، منظور از اصل فردی کردن قضایی این است که با اختیاراتی که به قضات دادگستری داده می‌شود؛ قاضی می‌تواند با توجه به شخصیت مجرم و سایر شرایطی که باعث بزهکاری او شده است؛ مجازات متناسبی تعیین نماید. همین امر از وجوه افتراق بین اصل فردی کردن قانونی و قضایی می‌باشد. در اصل فردی کردن قانونی خود قانونگذار بخاطر اوضاع و احوال و شرایط خاص مجرم، مجازات‌های شدید یا آسان‌تری برای طبقات خاص در نظر می‌گیرد.

□ یکی از تغییراتی که به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در قانون مجازات اسلامی ایجاد شده است، الحاق یک تبصره به ذیل ماده ۱۸ ق.م.ا می‌باشد؛ بدین شرح که بر اساس تبصره الحاقی به ماده ۱۸ ق.م.ا اصل بر این است که دادگاه باید در تعیین مجازات حبس تعزیری، در مواردی که مجازات حبس دارای حداقل و حداکثر می‌باشد، حکم به حداقل مجازات صادر نماید و در صورتی که دادگاه بخواهد اقدام به صدور حکم به بیشتر از حداقل مجازات نماید، الزاماً باید مبتنی بر جهات قانونی و یا بر اساس بندهای چهارگانه ماده ۱۸ ق.م.ا باشد. در مواردی که دادگاه در تعیین مجازات حبس تعزیری از حداقل مجازات فراتر حکم صادر کند و مفاد تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا در این خصوص رعایت نگردد، قاضی به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم خواهد شد. نکته حائز اهمیت این است که در برخی موارد مجازات حبس، فاقد حداقل بوده که در این موارد دادگاه می‌تواند بدون رعایت مفاد تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا اقدام به صدور حکم تا میزان مقرر قانونی نماید. لازم به ذکر است که اصل تعیین حداقل مجازات صرفاً مشمول مجازات حبس تعزیری بوده و سایر مجازات‌های تعزیری مانند شلاق، جزای نقدی و ... از مفاد تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا خارج هستند.

ماده ۱۹ - مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

درجه ۱

- حبس بیش از بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

- مصادره کل اموال

- انحلال شخص حقوقی

کدینگ: بیمار: بیست و پنج سال / یک میلیارد - مصادره - انحلال

درجه ۲

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

کدینگ: حج: حبس / جزای نقدی

درجه ۳

- حبس بیش از ده تا پانزده سال

- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

کدینگ: حج: حبس / جزای نقدی

درجه ۴

- حبس بیش از پنج تا ده سال

- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

کدینگ: جحان: جزای نقدی / حبس / انفصال

درجه ۵

- حبس بیش از دو تا پنج سال
- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال
- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی
- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه ۶

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه ها
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجه ۷

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه
- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
- شلاق از یازده تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

درجه ۸

- حبس تا سه ماه
- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
- شلاق تا ده ضربه

کدینگ: حبس / جزای نقدی / حبس / شلاق

تبصره ۱- موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات های تبعی ذکر شده است.
تبصره ۲- مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می شود.

تبصره ۳- در صورت تعدد مجازاتها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشتگانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می شود.
تبصره ۴- مقررات این ماده و تبصره های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات های مقرر در قوانین جاری ندارد.

تبصره ۵- ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می شود باید هزینه های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.

تبصره ۶- تمام حبس های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می شود. (الحاقی به موجب ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

کدینگ: ترفند و شیوه یادگیری طبقه بندی مجازات ها**۱. برای حبس بدین صورت: درجه حبس**

- درجه ۸: ۳ ماه
- درجه ۷: ۶ ماه
- درجه ۶: ۲ سال
- درجه ۵: ۵ سال
- درجه ۴: ۱۰ سال
- درجه ۳: ۱۵ سال
- درجه ۲: ۲۵ سال
- درجه ۱: بالای ۲۵ سال

۲. برای جزای نقدی به این صورت: درجه جزای نقدی

درجه ۸: ۱ میلیون
 درجه ۷: ۲ میلیون
 درجه ۶: ۸ میلیون
 درجه ۵: ۱۸ میلیون
 درجه ۴: ۳۶ میلیون
 درجه ۳: ۵۵ میلیون
 درجه ۲: ۱۰۰ میلیون
 درجه ۱: بالای ۱۰۰ میلیون

۳. برای شلاق به این صورت:

درجه ۸: تا ۱۰ شلاق
 درجه ۷: تا ۳۰ شلاق
 درجه ۶: تا ۷۴ یا ۹۹ شلاق

جدول درجه بندی انواع مجازات‌های تعزیری موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲								
نوع مجازات	درجه ۱	درجه ۲	درجه ۳	درجه ۴	درجه ۵	درجه ۶	درجه ۷	درجه ۸
حبس	بیش از ۲۵ سال	بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال	بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال	بیش از ۵ تا ۱۰ سال	بیش از ۲ تا ۵ سال	بیش از ۶ ماه تا ۲ سال	از ۹۱ روز تا ۶ ماه	تا سه ماه
جزای نقدی	بیش از یک میلیارد ریال	بیش از ۵۵۰ میلیون ریال تا یک میلیارد ریال	بیش از ۳۶۰ میلیون ریال تا ۵۵۰ میلیون ریال	بیش از ۱۸۰ میلیون ریال تا ۳۶۰ میلیون ریال	بیش از ۸۰ میلیون ریال تا ۱۸۰ میلیون ریال	بیش از ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال	بیش از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال	تا ۱۰ میلیون ریال
مصادره	کل اموال	***	***	***	***	***	***	***
انحلال	شخص حقوقی	***	***	***	***	***	***	***
انفصال	***	***	***	انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی	***	***	***	***
محرمیت از حقوق اجتماعی	***	***	***	***	بیش از ۵ تا ۱۵ سال	بیش از ۶ ماه تا ۵ سال	تا ۶ ماه	***
ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی	***	***	***	***	ممنوعیت دائم	حداکثر تا مدت ۵ سال	***	***
ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص	***	***	***	***	ممنوعیت دائم	حداکثر تا مدت ۵ سال	***	***

حقوقی								
ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی	***	***	***	***	***	***	حداکثر تا مدت ۵ سال	***
شلاق	***	***	***	***	***	***	از ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و تا ۹۹ ضربه شلاق در جرائم منافی عفت	از یک تا ۳۰ ضربه
انتشار حکم	***	***	***	***	***	***	انتشار حکم قطعی در رسانه ها	***

□ **نکته:** یکی از تغییراتی که به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در قانون مجازات اسلامی ایجاد شده است، حذف تمامی حبس‌های ابد غیر حدی و تقلیل آن به حبس تعزیری درجه یک می‌باشد. در ماده ۱۹ ق.م.ا.م.ق. مقنن مجازات‌های تعزیری را به هشت درجه تقسیم کرده است که حبس تعزیری درجه یک، حبس بیش از بیست و پنج سال تعیین شده است. بنابراین به دلیل اینکه حداکثری برای مجازات حبس تعزیری درجه یک مشخص نشده است، لذا قضات محدودیتی برای صدور حکم به بیش از بیست و پنج سال ندارند، لکن در این خصوص رعایت مفاد ماده ۱۹ ق.م.ا.م.ق. برای دادگاه‌ها الزامی بوده و مکلف به صدور حکم به حداقل مجازات حبس تعزیری درجه یک هستند. نکته حائز اهمیت این است که واژه قانون در تبصره ۶ ماده ۱۹ ق.م.ا.م.ق. به صورت مطلق بیان شده و شامل تمام قوانین می‌شود و به موجب این تبصره، تمامی حبس‌های ابد غیر حدی در تمام قوانین نسخ گردیده و به حبس تعزیری درجه یک تقلیل پیدا می‌کنند. **با الحاق تبصره ۶ به ماده ۱۹ ق.م.ا.م.ق. مواردی که در ق.م.ا.م.ق. دارای مجازات حبس ابد هستند عبارتند از: سرقت حدی در مرتبه سوم، اکراه در قتل، ممسک^۱ و ارتداد زن مسلمان که این جرایم دارای مجازات حدی بوده و از شمول تبصره ۶ ماده ۱۹ ق.م.ا.م.ق. خارج می‌باشند.**

از جرایمی که در برخی قوانین دارای مجازات حبس ابد بوده و به موجب تبصره ۶ ماده ۱۹ ق.م.ا.م.ق. به حبس تعزیری درجه یک تقلیل پیدا کرده‌اند؛ عبارتند از:

- ۱- ماده چهار قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری؛
- ۲- بند ۱ ماده واحده قانون مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هواپیمایی؛
- ۳- جرایم موضوع بند های الف و ب ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی؛
- ۴- جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.

□ **نکته:** ضمناً متن ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و ۵ تبصره آن هیچ تغییری نکرده و صرفاً تبصره آخری، به عنوان تبصره ۶ به ماده ۱۹ الحاق شده است. با استنباط از این تبصره، هم اکنون فقط در ۴ مورد امکان صدور حکم حبس ابد وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- سرقت حدی در مرتبه سوم: (بند پ ماده ۲۷۸ ق.م.ا.م.ق.)
- ۲- اکراه در قتل عمدی (ماده ۳۷۵ ق.م.ا.م.ق. و تبصره ۲ این ماده)
- ۳- ممسک
- ۴- ارتداد زن مسلمان

در سایر موارد که مجازات جرمی حبس ابد دانسته شده (مانند حبس‌های ابد مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر) مرتکب به بیش از ۲۵ سال حبس محکوم می‌شود. (نه حبس ابد)

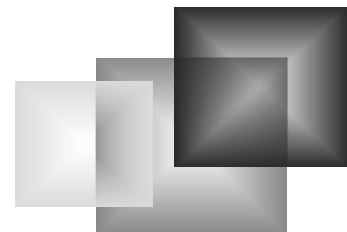
و
و
و
و
و

^۱ - کسی است که از فرار مجنی علیه جلوگیری می‌کند. (در جایی که مباشر قصد قتل منجی علیه را دارد و مجازات معاون در این حالت حبس ابد است.)

بخش چهارم:
سوالات دکتری نیمه متمرکز
(۹۰ الی ۹۹)

نشر حقوقی علییه ناشر بسته

۹۸۱۱۷۳۶۷۱



توجه: سوالات شامل سوالات حقوق جزای عمومی و اختصاصی بوده و از همدیگر تفکیک نشده است. (در چند سال اخیر سوالات حقوق جزای اختصاصی معمولاً از شماره ۶۱ به بعد است)

توجه: در کنار شمار سوال، شماره آزمونی سوال نیز آمده است برای اینکه هم اطلاع پیدا کنید که شماره سوالات حقوق جزا در دفترچه سوالات آزمون دکتری، از چند شروع می‌شود و هم اینکه کمی شبیه سازی موقعیتی، بیشتر شما را در فضای آزمون قرار دهد.

حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۴۰۰

در حال اضافه شدن است این بخش

حقوقی عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
۰۲۱۶۶۵۸۱۷۴۸ و ۰۲۱۶۶۹۱۰۰۶
۰۲۱۶۶۵۸۱۷۳۶۶۱۰۰۲

حقوق جزا - آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۹

۱. ۴۱- بزده‌دیده‌ای به متهم گفته: «اگر قسمت‌هایی از ساختمان نیمه‌کاره‌ام که تخریب کرده‌ای را به گونه‌ای تعمیر کنی که

مهندس ناظر تأیید کند، تو را می‌بخشم»، این وعده چه تأثیری به حال متهم دارد؟

(۱) مانع تعقیب و رسیدگی است و در صورتی که این وعده پس از صدور حکم باشد، عدم اجرای مجازات منوط به تعمیر ساختمان است.

(۲) مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست ولی اجرای مجازات منوط به عدم تعمیر ساختمان و عدم تأیید مهندس ناظر است.

(۳) مانع تعقیب و رسیدگی نیست ولی صدور حکم منوط به عدم تعمیر ساختمان و عدم تأیید مهندس ناظر است.

(۴) مانع تعقیب و رسیدگی و صدور حکم است و اجرای هرگونه مجازات بعد از آن امکان ندارد.

گزینه ۲ صحیح است. در فرض سوال، وعده‌ای که بزده دیده داده است؛ مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست ولی اجرای مجازات منوط به عدم تعمیر ساختمان و عدم تأیید مهندس ناظر است.

۲. ۴۲- در کدام مورد، مرجع قضایی مکلف به تعیین حداکثر مجازات و سپس اجرای مجازات اشد است؟

(۱) جعل سند از جانب امین مال و فروش مال امانی

(۲) دادن مال غیر به عنوان رشوه

(۳) اختلاس توأم با جعل

(۴) شناسایی جاسوس و سپس مخفی کردن وی

گزینه ۱ صحیح است. در جعل سند و فروش مال امانی، مرجع قضایی مکلف به تعیین حداکثر مجازات و سپس اجرای مجازات اشد است.

ماده ۱۳۱- در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۲- در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود.

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود.

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می‌گردد.

ماده ۱۳۳- در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود.

ماده ۱۳۴- در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است: (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

الف - هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب - در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ - چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

ت - در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به‌طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است.

ث - در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج - در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک‌ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ - در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

ح - هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیرآشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود.

خ - در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

د - در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در صورتیکه از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

تبصره ۲- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

تبصره ۳- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

تبصره ۴- مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت اجراء نمی‌شود. این مجازاتها با هم و نیز با مجازاتهای تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

نکته: تعدد جرم اقسامی دارد که عبارت از تعدد مادی، تعدد معنوی و تعدد نتیجه است که در اینجا تعدد مادی و معنوی مورد

بررسی قرار می‌گیرد:

الف. تعدد مادی - تعدد واقعی جرم که از آن گاهی به تعدد عینی یا حقیقی یا مادی یاد می‌شود، عبارت است از اینکه مجرم دو یا چند عمل مجزا و جداگانه، خواه مشابه یا غیرمشابه مرتکب می‌گردد که هر یک به تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می‌کند، چه آنکه جرم به طور کامل واقع شده باشد یا خیر. مثال بارز آن، ارتکاب یک فقره سرقت، یک فقره کلاهبرداری و یک فقره خیانت در امانت یا ارتکاب چند فقره سرقت است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۳۴ به این نوع تعدد اشاره دارد و چنین مقرر داشته است: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، دادگاه برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی، مشروط بر اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است». بنابراین، منظور از تعدد مادی جرم این است که شخص واحد مرتکب رفتارهای مجرمانه متعددی شود که هر کدام جرم مستقلی محسوب می‌شوند، بدون اینکه در خصوص هیچ یک از این رفتارهای مجرمانه حکم محکومیت قطعی‌ای درباره او صادر شده باشد. در تعدد مادی یا واقعی، مرتکب اقدام به ارتکاب چند رفتار مادی مستقل از همدیگر می‌کند؛ گاه ممکن است رفتارهای مجرمانه صورت گرفته تماماً مشمول یک نوع عنوان مجرمانه در قانون باشد؛ مانند فردی که چندین بار مرتکب بزه رشوه و یا جعل می‌گردد. یا اینکه از رفتارهای ارتكابی دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد؛ مانند فردی که مرتکب جرایم سرقت، ارتشا و جعل می‌شود. در این صورت، جرایم ارتكابی مشمول تعدد واقعی از نوع متفاوت است. تشخیص جرم مستقل و واحد و تمایز آن از جرایم متعدد برای اعمال قاعده تعدد جرم همیشه ساده و روشن نیست و در عمل مواردی پیش می‌آید که به جهات مختلف در این تشخیص شبهه ایجاد می‌شود. در نتیجه این شبهه گاهی چند جرم مستقل و مجزا از هم، به سبب ارتباط و هم بستگی‌ای که بین آنها وجود دارد به نظر جرم واحد است. همچنین، گاه جرم واحد به نظر جرایم متعدد جلوه می‌کند. این شبهه از نظر اجراء مقررات قاعده تعدد جرم، اعم از واقعی یا اعتباری، ایجاد اشکال می‌نماید.

ب. تعدد معنوی - ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی تعدد معنوی را حالتی می‌داند که در آن رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد. این ماده چنین مقرر می‌کند: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود». گاهی یک جرم با آنکه نتیجه ارتکاب رفتار مادی واحد است، دارای اوصاف و عناوین جزایی متعدد است و چنین به نظر می‌رسد که جرایم متعددی واقع شده است و از این رو در رسیدگی به آن از نظر تعیین مجازات باید قاعده تعدد واقعی جرم را اعمال نمود. گاهی از رفتارهای مجرمانه ارتكابی یک شخص بعضی مقدمه دیگری یا از لوازم آن است و بالاخره گاهی نیز ارتکاب چند رفتار مجرمانه یک جرم یا یک عنوان خاص جزایی را تشکیل می‌دهد. در تمام این موارد که فروض مختلف تعدد معنوی را تشکیل می‌دهند، مجازات مرتکب به عنوان تعدد جرم تشدید نمی‌شود، بلکه همیشه رفتار انجام شده به عنوان یک جرم تلقی و مجازات جرم اشد مورد حکم قرار می‌گیرد. در واقع، در تعدد معنوی تعدد جرم وجود ندارد، بلکه جرم واحد است که باید وصف صحیح آن پیدا شود؛ بررسی این امر مربوط به حقوق جزای اختصاصی است. این اختلاف اصولاً با مرجع دانستن وصف شدیدتر حل می‌شود و فقط یک محکومیت باید صادر شود. برای مثال شخصی که مال سپرده شده امانی به وی را برای انجام امری به کارمند دولت می‌دهد، با رفتار واحد خود مرتکب جرایم رشاء و خیانت در امانت گردیده است و نیز می‌توان اقدام فردی را که مال غیرمنقول سپرده شده (امانی) به وی را با انعقاد قرارداد بیع به عنوان مالک به فرد دیگری منتقل می‌کند، رفتار واحد مشمول عناوین خیانت در امانت و فروش مال غیر دانست. همچنین، فردی که با ارائه گواهینامه جعلی فارغ التحصیلی در مقطع دکتری، دختری

را برای ازدواج فریب می‌دهد، رفتار واحد وی می‌تواند همزمان مشمول عناوین استفاده از سند مجعول و فریب در ازدواج شود و تعدد معنوی محسوب گردد.

۳. ۴۳- در افترا به عنوان جرم سیاسی، کدام مورد جزء اجزای رکن روانی نمی‌باشد؟

(۱) انگیزه

(۲) قصد رفتار

(۳) علم به موضوع

(۴) علم به وقوع نتیجه

گزینه ۴ صحیح است. در افترا به عنوان جرم سیاسی موارد ذیل جزء ارکان روانی می‌باشد:

انگیزه: مسلماً انگیزه در افترا به عنوان جرم سیاسی از ارکان روانی این جرم است. مثلاً «انگیزه اصلاح امور کشور بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام» باشد.

قصد رفتار: نیز از ارکان این جرم می‌باشد؛ مانند قصد انجام افترا به یکی از مقامات

علم به موضوع: که شامل موجودیت، وصف، هویت یا ویژگی می‌شود.

بنابراین علم به وقوع نتیجه جزء ارکان جرم محسوب نمی‌شود.

و

و

و

و

و

و

و

بسته دکتری حقوق جزا
ناشر: عدلیه ناشر بسته های دکتری حقوق جزا
۰۲۱۶۶۵۸۱۷۴۸ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
۰۲۱۶۶۵۸۱۷۳۶۶۱۰۲

حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۱

۱. مطابق قانون مجازات اسلامی، طرح براندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران در چه صورتی محاربه محسوب می‌شود؟

- (۱) هرگاه باعث ضربه خوردن نظام شود.
 (۲) در هر حال محاربه است.
 (۳) هرگاه همراه با تهیه اسلحه و مواد منفجره باشد.
 (۴) هرگاه به قصد کمک به دولت متخاصم انجام گیرد.

گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که اشعار می‌داشت «هر فرد یا گروهی که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و به این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی و مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می‌باشند» لازم به ذکر است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ که به ترتیب به قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی (که منظور از آن نظام جمهوری اسلامی بود) ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مواد منفجره برای این منظور با ارائه امکانات مالی مؤثر به طراحان و نیز نامزد شدن برای یکی از پست‌های احساس حکومت کودتا مربوط بود مجازات محاربه را پیش‌بینی می‌کرد، در حالی که این اعمال به دلیل اینکه علیه حکومت انجام می‌شوند با عنوان مجرمانه بغی سازگارتر می‌باشند. از همین رو قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ با حذف این مواد عنوان مجرمانه بغی را در ماده ۲۸۷ مورد حکم قرار داده است و اشعار می‌دارد، «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند یا غی محسوب و در صورت استفاده از سلاح اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند». لذا بر مبنای تفسیر به نفع متهم شاید بتوان گفت کلمه «گروه» را تعدادی بیش از دو نفر در بر می‌گیرد البته باید به این نکته نیز توجه کرد که چون جرم موضوع ماده ۲۸۷ قیام مسلحانه در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد معمولاً تعداد افراد درگیر در چنین ماجرابی زیاد است، و مشکل بتوان تصور کرد که یک تعداد بسیار محدود و انگشت شمار بتوانند دست به قیام مسلحانه علیه اساس حکومت بزنند.

ر.ک جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی دکتر میرمحمد صادقی - چاپ بیست سوم: زمستان ۱۳۹۲ ص ۶۴ الی ۶۷ و نیز ر.ک محشای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دکتر ایرج گلدوزیان، چاپ دوم ۱۳۹۳ ص ۲۸۰ الی ۲۸۳.

و
و
و
و
و
و
و
و

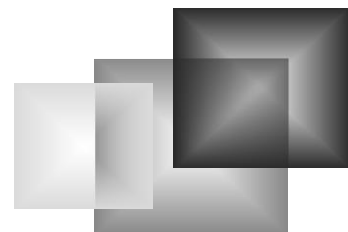
نشر حقوقی علییه ناشر پست

ضمیمه

نکات قانون کاهش حبس‌های تغزیری

مصوب ۹۹

۹۸۱۷۳۶۴۱



متن اعمال شده قانون کاهش حبس‌های تعزیری

گوشزد: با توجه به اینکه داوطلبان نیاز به این دارند که متن اصلاحی یا حذفی را در خود متن و ماده قانون مطالعه کنند؛ ما در یک اقدام ابتکاری متن مواد را بعد از اعمال تغییرات قانون کاهش حبس‌های تعزیری (به جای خود قانون کاهش حبس‌های تعزیری) آورده‌ایم. به نظر می‌رسد؛ این سبک برای آزمون مفیدتر باشد. البته خود متن قانون کاهش حبس‌های تعزیری نیز در صفحات آتی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

ماده ۱- مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی به شرح زیر کاهش یافته یا تبدیل می‌شود:

الف - مجازات حبس موضوع ماده (۶۱۴) قانون (به استثنای تبصره آن) به حبس درجه شش؛
ب - مجازات حبس موضوع ماده (۶۲۱) قانون، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج؛

پ - تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ عمل می‌شود.
ت - مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده؛

ث - مجازات حبس موضوع ماده (۶۸۴) قانون به حبس درجه شش؛

ج - مجازات موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۹۷) قانون به جزای نقدی درجه شش؛

ماده ۶۱۴ -^۱ هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به حبس درجه ۶ محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود. **(اصلاحی به**

موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

ماده ۶۲۱ -^۲ هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس درجه ۴ و در غیر این صورت به حبس درجه ۵ محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد. **(اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب**

۱۳۹۹)

۱ - **متن ماده ۶۱۴ قبل از اصلاح:** هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره - در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

۲ - **متن ماده ۶۲۱ قبل از اصلاح (و نسخ تبصره این ماده):** هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.

تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است. (این تبصره به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسخ شده و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ عمل می‌شود)

ماده ۶۷۷ -^۱ هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

ماده ۶۸۴ -^۲ هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تزییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیاندازد به حبس درجه ۶ محکوم می‌شود. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

ماده ۶۹۷ -^۳ هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به جزای نقدی درجه ۶ محکوم خواهد شد. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

ماده ۶۰۸ -^۴ توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد جزای نقدی درجه شش خواهد بود. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

نکته: موضوع ماده ۶۱۴ ق.م.ا.ت حبس بدل از قصاص عضو می‌باشد. چنانچه شخصی با حصول شرایط مندرج در ماده ۶۱۴ ق.م.ا.ت مرتکب جنایت عمدی بر عضو شود، چنانچه قصاص مرتکب به هر دلیلی انجام نشود، مرتکب به حبس بدل از قصاص عضو محکوم خواهد شد که با توجه به اصلاحات مقرر، موضوع حبس این ماده به حبس تعزیری درجه شش، تقلیل پیدا کرده است. لازم به ذکر است که تبصره ۳ ماده مذکور، کماکان به حالت گذشته معتبر می‌باشد و چنانچه جنایات مذکور حاصل نشود ولی آلت استفاده شده در ارتکاب جرم، اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد، مجازات مرتکب حبس تعزیری از سه ماه تا یکسال خواهد بود.

نکته: موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت در خصوص جرم آدم ربایی بوده که مقنن در اصلاحات مقرر بدین صورت بیان کرده است که، مجازات جرم آدم ربایی، در صورتی که بدون عنف یا تهدید باشد، حبس تعزیری درجه پنج و چنانچه ارتکاب آن همراه با عنف یا تهدید باشد، حبس تعزیری درجه چهار خواهد بود. نکته حائز اهمیت این است که مقنن کیفیات مشدده جرم آدم ربایی را که در قانون سابق، کمتر بودن سن مجنی علیه، ربودن توسط وسایل نقلیه و ورود آسیب های جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه تعیین شده بود، به عنف یا تهدید تغییر داده است و در قانون جدید تنها عنف یا تهدید، از کیفیات مشدده مجازات جرم آدم ربایی می‌باشد. اما نکته‌ای که در ذیل ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت باید مورد توجه قرار گیرد، این است که اگر به عنوان مثال الف مرتکب جرم آدم ربایی به همراه عنف یا تهدید شود، به مجازات حبس

^۱ - ماده ۶۷۷ قبل از اصلاح: هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

^۲ - ماده ۶۸۴ قبل از اصلاح: هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تزییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیاندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.

^۳ - ماده ۶۹۷ قبل از اصلاح: هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.

^۴ - متن ماده ۶۰۸ قبل از اصلاح: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

تجزیری درجه چهار محکوم خواهد شد یعنی حبس بیش از پنج سال تا ده سال، لکن باید توجه شود که دادگاه باید باتوجه به ماده ۱۸ ق.م.ا حکم به حداقل حبس تجزیری درجه چهار صادر نماید و صدور حکم به بیش از حداقل مجازات، مستلزم رعایت شرایط چهارگانه در ماده ۱۸ ق.م.ا می‌باشد {الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تجزیر بر وی}. اما در صورتی که در مثال مذکور، الف هنگام ارتکاب جرم آدم ربایی علاوه بر تهدید یا عنف شرایط سه گانه در ذیل ماده ۶۲۱ ق.م.ا وجود داشته باشد، یعنی مجنی علیه کمتر از پانزده سال باشد، ارتکاب جرم همراه با وسایل نقلیه باشد یا به مجنی علیه آسیب های جسمی یا حیثیتی وارد شود، در این صورت دادگاه مکلف به صدور حکم به حداکثر مجازات حبس تجزیری درجه چهار می‌باشد. همچنین در مواردی که جرم آدم ربایی بدون عنف یا تهدید واقع شود، مجازات آن، حداقل حبس تجزیری درجه پنج خواهد بود لکن چنانچه شرایط سه گانه در ذیل ماده ۶۲۱ ق.م.ا وجود داشته باشد، همان حکمی که در مثال قبل بیان شد مقرر می‌باشد یعنی دادگاه مکلف است حکم به حداکثر مجازات حبس تجزیری درجه پنج صادر نماید. نکته مهم دیگر، نسخ تبصره ماده مذکور در خصوص مجازات شروع به جرم آدم ربایی می‌باشد^۱ که با توجه به بند پ ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تجزیری و نیز ماده پانزده این قانون، مجازات شروع به جرم آدم ربایی تابع ماده ۱۲۲ ق.م.ا می‌باشد که در این خصوص دو فرض متصور است:

۱- **جرم آدم ربایی: همراه با عنف یا تهدید باشد** که مجازات آن حبس تجزیری درجه چهار خواهد بود. (بر اساس بند ب ماده ۱۲۲

ق.م.ا، مجازات شروع به جرم آن، حبس تجزیری درجه پنج خواهد بود).

۲- **جرم آدم ربایی: بدون عنف یا تهدید باشد** که مجازات آن حبس تجزیری درجه پنج خواهد بود. (بر اساس بند پ ماده ۱۲۲ ق.م.ا،

مجازات شروع به جرم آن، حبس تجزیری درجه شش خواهد بود).

نکته: جهت تاکید مجدد لازم به ذکر است که در مورد جرم ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات (که در مورد جرم آدم ربایی است) باید توجه داشت در قانون قبلی سه کیفیت مشدده برای این جرم پیش بینی شده بود؛ به عبارتی در سه مورد مجازات مرتکب تشدید می‌شد که عبارت بودند از:

۱. کمتر بودن سن مجنی علیه از پانزده سال؛

۲. ربودن توسط وسیله نقلیه؛

۳. ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه؛

اما هم اکنون تنها کیفیت مشدده جرم آدم ربایی، آدم ربایی به عنف یا تهدید است و سه موردی که طبق قانون قبلی کیفیت مشدده بودند؛ اکنون به عنوان کیفیت مشدده نمی‌باشند.

نکته: موضوع ماده ۶۷۷ ق.م.ا تخریب عمدی اموال می‌باشد که با توجه به اصلاحات مقرر (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تجزیری مصوب ۱۳۹۹)، دو فرض در خصوص نحوه تعیین مجازات برای مرتکب متصور است:

اول در صورتی که خسارت وارده به بزه دیده یکصد میلیون ریال یا کمتر از آن باشد، مجازات مرتکب، جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت می‌باشد که در این صورت با توجه به رای وحدت رویه شماره ۷۵۹ مجازات تجزیری درجه هفت بوده

دوم چنانچه میزان خسارت وارده بیشتر از یکصد میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب حبس تجزیری درجه شش خواهد بود. نکته حائز اهمیت این است که باتوجه به کاهش مجازات جرم تخریب، شروع به جرم در هیچ یک از دو فرض ماده ۶۷۷ ق.م.ا متصور نمی‌باشد.

بنابراین در ماده ۶۷۷ مجازات سه ماه تا یک سال و نیم حبس پیش بینی شده است اما طبق این اصلاحیه اگر میزان خسارت وارده یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد؛ مجازات مرتکب جزای نقدی تا دو برابر خسارت وارده است. مثلاً اگر میزان خسارت وارده ده میلیون ریال باشد؛ مجازات مرتکب تا بیست میلیون ریال (از یک ریال تا بیست میلیون ریال) است و در موردی که خسارت وارده بیش از یکصد میلیون ریال باشد همان مجازات ماده ۶۷۷ (حبس از سه ماه تا یک سال و نیم) اعمال می‌شود.^۲

نکته: هرچند معمولاً در آزمون‌های حقوقی از میزان مجازات جرایم تجزیری سؤالی طرح نمی‌شود؛ اما بهتر است میزان مجازات جرایم مذکور در این ماده حفظ شود. جرایم مذکور در این ماده و مجازات آنها به شرح زیر است:

^۱ - تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است. (این تبصره به موجب قانون کاهش مجازات حبس تجزیری مصوب ۱۳۹۹ نسخ شده و

در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ عمل می‌شود)

^۲ - هر چند در متن ماده ۶۷۷ مجازات مرتکب شش ماه تا سه سال حبس قید گردیده اما چون طبق تبصره ماده ۱۰۴ قانون جدید، مجازات حبس‌های درجه چهار تا هشت جرایم قابل گذشت نصف شده است لذا مجازات این جرم نیز نصف شده و به سه ماه تا یک سال و نیم حبس تغییر یافته است.

- ضرب و جرحی که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد و امکان قصاص مرتکب وجود نداشته باشد: (ماده ۶۱۴): حبس درجه شش
- آدم ربایی (ماده ۶۲۱): اگر به عنف یا تهدید باشد؛ حبس درجه چهار در غیر این صورت حبس درجه پنج
- شروع به آدم ربایی به عنف یا تهدید: حبس درجه پنج (بند ب ماده ۱۲۲ ق.م.)
- شروع به آدم ربایی (به جز موارد عنف یا تهدید): حبس یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش (بند پ ماده ۱۲۲ ق.م.)
- تخریب ساده (ماده ۶۷۷): در صورتی که میزان خسارت یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد تا دو برابر میزان خسارت وارده و در صورتی که خسارت وارده بیش از یکصد میلیون ریال باشد سه ماه تا یک سال و نیم حبس
- توهین ساده و افترا (مواد ۶۰۸ و ۶۹۷): جزای نقدی درجه شش
- چراندن محصول متعلق به دیگری، تخریب نخلستان، تاکستان، باغ میوه و آسیاب متعلق به دیگری (ماده ۶۸۴): حبس درجه شش و شلاق تا ۷۴ ضربه

نکته: موضوع ماده ۶۸۴ ق.م.ا.ت چراندن محصول و تخریب باغها و سرقت آب و از کار انداختن آسیاب دیگری می‌باشد که با توجه به اصلاحات مقرر، مقنن مجازات حبس موضوع این ماده را، به حبس تعزیری درجه شش تقلیل داده است. لازم به ذکر است که صرفاً مجازات حبس موضوع این ماده تقلیل پیدا کرده است و همچنان مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه معتبر می‌باشد. همچنین مطابق با ماده ۱۰۴ ق.م.ا. و تبصره الحاقی به آن، حداقل و حداکثر مجازات حبس‌های تعزیری درجه چهار تا هشت، به نصف تقلیل پیدا کرده است و از آنجا که جرم موضوع این ماده از جرایم قابل گذشت می‌باشد، حداقل و حداکثر مجازات حبس آن به نصف تقلیل پیدا می‌کند یعنی سه ماه تا یکسال حبس تعزیری درجه شش. همچنین با توجه به تغییر میزان مجازات جرم این ماده، شروع به جرم آن فاقد وصف جزایی بوده و قابل مجازات نمی‌باشد.

نکته: موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا.ت توهین ساده می‌باشد که با توجه به اصلاحات مقرر، مقنن مجازات جرم موضوع این ماده را به جزای نقدی تغییر داده است. بنابراین مجازات مرتکب جرم موضوع این ماده، صرفاً جزای نقدی درجه شش خواهد بود. همچنین شروع به جرم در جرم موضوع این ماده متصور نمی‌باشد.

نکته: موضوع ماده ۶۹۷ ق.م.ا.ت افترا می‌باشد که با توجه به اصلاحات مقرر، مقنن مجازات جرم موضوع این ماده را در موارد غیر از حد، به جزای نقدی درجه شش تبدیل کرده است. همچنین شروع به جرم در جرم موضوع این ماده متصور نمی‌باشد.

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی - تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی

تبصره - چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد. (الحاقی به موجب ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

□ **نکته:** یکی از تغییراتی که به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در قانون مجازات اسلامی ایجاد شده است، الحاق یک تبصره

به ذیل ماده ۱۸ ق.م.ا. می‌باشد؛ بدین شرح که بر اساس تبصره الحاقی به ماده ۱۸ ق.م.ا. اصل بر این است که دادگاه باید در تعیین

مجازات حبس تعزیری، در مواردی که مجازات حبس دارای حداقل و حداکثر می‌باشد، حکم به حداقل مجازات صادر نماید و در صورتی که دادگاه بخواهد اقدام به صدور حکم به بیشتر از حداقل مجازات نماید، الزاماً باید مبتنی بر جهات قانونی و یا بر اساس بندهای چهارگانه ماده ۱۸ ق.م.ا. باشد. در مواردی که دادگاه در تعیین مجازات حبس تعزیری از حداقل مجازات فراتر حکم صادر

کند و مفاد تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا. در این خصوص رعایت نگردد، قاضی به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم خواهد شد. نکته حائز

اهمیت این است که در برخی موارد مجازات حبس، فاقد حداقل بوده که در این موارد دادگاه می‌تواند بدون رعایت مفاد تبصره

ماده ۱۸ ق.م.ا. اقدام به صدور حکم تا میزان مقرر قانونی نماید. لازم به ذکر است که اصل تعیین حداقل مجازات صرفاً مشمول

مجازات حبس تعزیری بوده و سایر مجازات‌های تعزیری مانند شلاق، جزای نقدی و ... از مفاد تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا. خارج هستند.

پرسش و پاسخ درباره قانون کاهش حبس‌های تعزیری

سؤال ۱- چنانچه مجازات قانونی جرمی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تقلیل یافته اما در دادنامه قطعی مجازاتی که تعیین شده است در محدوده مجازات قانونی تعیین شده به موجب قانون اخیر باشد، آیا بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل اعمال است؟

پاسخ- با عنایت به منطوق و اطلاق بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد، مقررات بند «ب» ماده مذکور در هر صورت قابل اعمال است، اعم از این که مجازات مقرر در دادنامه در محدوده مجازات قانونی تعیین شده به موجب قانون اخیر باشد یا نباشد؛ یعنی معیار اعمال این بند کاهش مجازات قانونی جرم به موجب قانون لاحق است؛ نه مجازات قضایی، از طرفی دادگاه با در نظر گرفتن حداکثر مجازات در قانون سابق و بر اساس معیارهای مقرر در بندهای ذیل ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کیفر کرده است؛ لذا در صورت کاهش مجازات قانونی جرم طبق قانون لاحق، رعایت احتیاط و اصل تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که فرض سؤال نیز مشمول مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد.

سؤال ۲- نظر به این که به موجب قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات علاوه بر علف، تهدید حيله یا به هر نحو دیگر که در ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مورد تشریح قرار گرفته است ممکن است سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی با حیثیتی وارد شود. در این موارد نحوه تعیین مجازات چگونه خواهد بود؟

پاسخ- با توجه به بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری محسوب ۱۳۹۹، چنانچه ارتکاب رکن مادی بزه آدم ربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با علف یا تهدید باشد، مجازات حبس درجه چهار و در غیر این صورت (با حيله یا به هر نحو دیگر) مجازات مرتکب حبس درجه پنج خواهد بود و در مواردی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد با ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد و یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات آن مطابق قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود که با توجه به نحوه تعیین مجازات طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات مرتکب مشمول قسمت دوم ماده ۶۲۱ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ حسب مورد، حداکثر حبس درجه چهار با درجه پنج خواهد بود.

و
و
و
و
و
و
و

۰۲۱۶۶۵۸۱۷۴۸۹